

گزارشی از پشت صحنه مجموعه در حال تولید «همه چیز آنجاست»

## چیزهایی هست که نمی دانی

صفحات ۸ و ۹





## یک مستند غافلگیر کننده

مهدی غلاممجدری

**یک:** هفته گذشته شبکه‌های مختلف سیما، مستندی به آنتن پخش سپردند که در نوع خودش یک شگفتی تمام عیار بود. از آن مستندهایی که مجال دیدنش هر چند وقت یک بار دست می‌دهد و با این وجود مزه‌اش برای مدت‌ها زیر زبان آدم می‌ماند. مستندی افاشارانه، تلخ و تکان‌دهنده با موضوعی امروزی و جذاب که می‌کوشید سمت تازه‌ای از سوژه‌های تکراری را در معرض دید مخاطب قرار دهد و جالب این که، این کار را هم با شایستگی و خلاقیتی مثال زدنی انجام داد.

«فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» عنوان این مستند دیدنی و در نوع خود بی‌نظیر بود که بدون تبلیغات به یکباره روی آنتن رفت و البته خیلی‌ها را غافلگیر کرد چون گذشته از موضوع بسیار حساسیت برانگیزش، این مستند حاوی نکاتی بود که ممکن بود اساساً برای پخش از تلویزیون مناسب تشخیص داده نشود، اما پخش آن از چند شبکه سراسری در بهترین زمان‌های ممکن و نیز جوی که به علت پخش این اثر در فضای مجازی به راه افتاد، نشان داد که احتمالاً باز هم شاهد پخش این گونه مستندهای تابوشکن از تلویزیون خواهیم بود.

مستند «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» به موضوع ملتهبی مثل گروهک منافقین از دریچه‌ای کاملاً تازه می‌نگرد. تم اصلی فیلم درباره «جستجو» است. همچنان که شخصیت اصلی فیلم یعنی پدر خانواده به دنبال سرنوشت فرزندانش در پایگاه اشرف می‌رود - که به نوعی گروگان گرفته شده‌اند - مخاطب نیز به جستجوی «حقیقتی» می‌رود که سال‌ها آن را به صورت تصویر ندیده است و اینجاست که معجزه فیلم مستند به تمامی چهره می‌نماید؛ جزئیاتی که آرام آرام ما را به کلیتی می‌رساند که شوک‌آور و بیشتر از آن ترساننده است. وقتی فیلم‌های مستندی که پدر خانواده از دختر و پسرش در یادگان اشرف گرفته همچون قطعات پازلی در کنار هم چیده می‌شوند، تصویری عمیق و کوبنده از سازمانی به ذهن مخاطب منتقل می‌شود که دیگر روزهای پایانی‌اش را می‌گذراند و تا فروپاشی کامل فاصله چندانی ندارد. از این مستند در آینده بسیار خواهیم شنید.

**دو:** حالا که این نوشته را می‌خوانید داستان و شخصیت‌های بسیاری از سریال‌های ماه رمضان امسال معلوم شده‌اند. در بین سریال‌های امسال احتمالاً بیشترین توجه به کار کارگردان‌های شناخته‌شده تلویزیون خواهد بود. سیروس مقدم از جمله کارگردان‌هایی است که ماه رمضان امسال هم به خانه‌ها آمده است. سابقه مقدم نشان داده که ذائقه مخاطب را خوب می‌شناسد و می‌داند چگونه او را پای گیرنده‌ها میخکوب کند. او امسال با سریال مدینه به شبکه یک آمده و قرار است ۳۰ شب ما را با جدال دوزن از دو خانواده مختلف بر سر ماترک مردی که غرق شده است، سرگرم کند. می‌دانیم او این توانایی را دارد و به هر حال جزو آن چند کارگردان خوشبخت تلویزیون است که می‌داند چگونه مخاطب را طوری اسیر کند که نتواند از کار دل بکند.

به جز او علیرضا بزرافشان هم با سریال «هفت سنگ» کاری به آنتن پخش سیما سپرده است. او را بیشتر با سریال نابرده رنج می‌شناسیم. او در این کار جمع و جور که به نظر بیشتر آپارتمانی می‌رسد روی روابط آدم‌های قصه‌اش متمرکز شده و تلاش کرده در خلال تعریف این ارتباط، موقعیت‌های تازه‌ای را خلق کند البته او برای خلق این موقعیت‌ها از همان هنرمندان امتحان پس داده این سال‌ها استفاده کرده و حتی زوج مجموعه پر مخاطب «ساختمان پزشکان» را در بست به این سریال آورده است. مهدی سلطانی و شبنم مقدمی هم از جمله بازیگران مشترک سریال‌های مدینه و هفت سنگ هستند که در نقش‌های کاملاً متفاوتی ظاهر شده‌اند. بعد از ماراتن جام جهانی حالا به نظر می‌رسد ماراتن سریال‌های ماه رمضان وطنی آغاز شده است.

## موفق در خندانند مردم

بعضی از برنامه‌ها خیلی راحت با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند و او را غیرمستقیم وادار می‌کنند تا از تماشای برنامه دست برندارد و بعضی از برنامه‌ها هم بخش‌هایی پیش‌بینی می‌کنند که خود به خود جذابند. مثلاً در برنامه «خندوانه» قسمتی وجود دارد که فرد دعوت شده روبه‌روی تماشاگران می‌نشیند و با آنها صحبت می‌کند. در قسمتی که شقایق دهقان مهمان برنامه بود او در همان ابتدا گفت که به این شکل نمی‌تواند صحبت کند و حتماً باید از او سوالی پرسیده شود تا به آن پاسخ دهد. همین‌طور هم شد یعنی از او سوال پرسیده شد و او هم به آنها پاسخ داد.



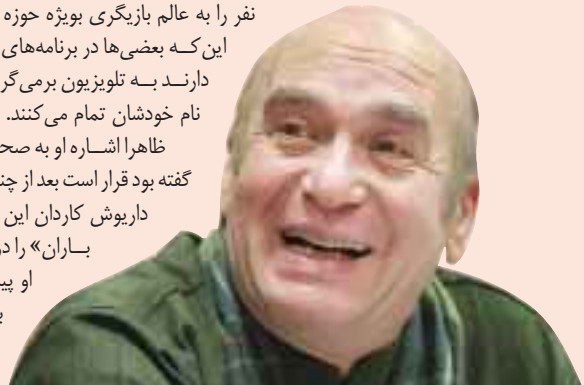
در مقابل مهمانان دیگری هم بودند که اصلاً نیاز نداشتند تا از آنها سوالی پرسیده شود و خود آنها - از همان ابتدا - شروع به صحبت و گرم کردن مجلس می‌کردند، یکی از این آدم‌ها رضا شفیعی‌جم بود که بدون این که نیازی باشد تا از او سوالی پرسیده شود، شروع به صحبت کرد و تا توانست همه حضار و از جمله مجری برنامه را حسابی خندانند. او به خیلی چیزها اشاره کرد، از یادآوری یک خاطره قدیمی تا گفتن لطیف‌های بامزه. خنده‌های حضار هم نشان می‌داد که شفیعی‌جم خیلی خوب توانسته از پس کار برآید، اما از همه مهم‌تر چهره و میمیک خود رضا شفیعی‌جم بود که با وجود گفتن حرف‌های خنده‌دار خیلی جدی به نظر می‌رسید و نشان می‌داد که چقدر بر روی خودش و کارش تسلط دارد.

## گلایه آقای مجری

چند هفته قبل بود که رضا شفیعی‌جم از نحوه برخورد مهران مدیری با وی گلایه کرده بود، حالا داریوش کاردان بازیگر و کارگردان حوزه طنز نیز تلویحاً مهران مدیری را مورد انتقاد قرار داده است.

کاردان گفته است: خوشحالم که تاکنون توانسته‌ام بیش از ۷۰ نفر را به عالم بازیگری بویژه حوزه طنز وارد کنم و ناراحتیم از این که بعضی‌ها در برنامه‌های نوروزی اعلام می‌کنند که دارند به تلویزیون برمی‌گردند و «نوروز ۷۲» را هم به نام خودشان تمام می‌کنند.

ظاهراً اشاره او به صحبت‌های مدیری است که گفته بود قرار است بعد از چند سال به تلویزیون برگردد. داریوش کاردان این روزها برنامه زنده «شهر باران» را در شبکه دو اجرا می‌کند، او پیشتر تجربه اجرای موفق برنامه‌های صندلی داغ را هم داشته است.



## تصمیم گرفتیم گوینده شوم

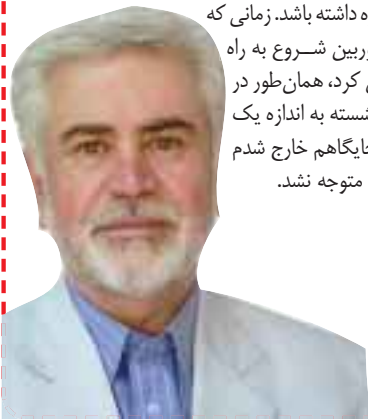
بسیاری از چهره‌های صدا و سیما برای مخاطبان به اندازه خاطرات ماندنی آنها عزیز و محترم هستند. قطعاً یکی از این چهره‌های محبوب، فؤاد بابان، گوینده شناخته شده، صدا و سیماست.

او درباره چگونگی ورودش به حرفه گویندگی به ایستا گفته است: ورودم به تلویزیون و رادیو به سال‌ها قبل برمی‌گردد، زمانی که تست گویندگی از من گرفته شد و من رد شدم، اما چون پدرم گوینده رادیو و کارمند صدا و سیما بود با کسی که تست من را گرفته بود، تماس گرفت و گفت چرا پسر من را رد کردید. او نیز گفت من نمی‌دانستم پسر شماست، اما اگر برایش سوپرمارکت باز کنید، موفق‌تر می‌شود که من نیز پس از ۳۳ سال به حرف او رسیدم.

اگر سوپرمارکت داشتیم وضعیتیم بهتر بود، اما از همان جا تصمیم گرفتیم که گوینده شوم و هر کسی را هم که بخواهد گوینده‌اش می‌کنیم.

اما خب این تنها یک سوی ماجراست و حتماً ۳۰ سال کار گویندگی کردن در صدا و سیما برای او خاطرات جالبی هم داشته است. او درباره یکی از خاطراتی که در حین خواندن خبر برایش پیش آمده بود، نیز چنین گفته است: پشت میز خبر بودم، روی میز دوربین بود و فیلمبردار فراموش کرده بود چرخ‌های دوربین را قفل کند و پایش را روی قفلش بگذارد که با توجه به شرایطی که پیش آمد، دوربین خود به خود شروع به راه افتادن کرد و از استودیو خارج شد.

از طرفی صندلی من هم خوشبختانه دستگیره نداشت، یعنی اصولاً صندلی گوینده خبر نباید دستگیره داشته باشد. زمانی که دیدم دوربین شروع به راه افتادن کرد، همان‌طور در حالت نشسته به اندازه یک متر از جایگاهم خارج شدم و کسی متوجه نشد.



## به این شایعات توجه نکنید

در چند روز گذشته خبری روی خروجی برخی از سایت‌ها آمد که خیلی‌ها را متعجب کرد. این که قرار است پاره‌ای از قسمت‌های یکی از پرمخاطب‌ترین سریال‌های تلویزیون کوتاه شود که البته خیلی زود تکذیب شد. حتی آرمان زرین کوب، تهیه‌کننده این سریال در گفت‌وگویی به سوره سینما گفته بود: «ستایش» از معدود مجموعه‌های هفتگی تلویزیون است، درواقع بیشتر مجموعه‌های تلویزیون هر شب روی آنتن می‌روند. با این وجود از نظر جذب مخاطب و میزان بیننده بین این دو نوع مجموعه تفاوت وجود دارد. طبق نظرسنجی تلویزیون «ستایش ۲»، ۶۴ درصد بیننده دارد.

این برای یک مجموعه هفتگی آمار قابل توجهی است و نشان می‌دهد مخاطبان تلویزیون فصل دوم این مجموعه را به دلیل داستان پرکشش و جذاب آن می‌پسندند. وی همچنین درباره مطالب منتشر شده درباره سریالش نیز گفته است: به این شایعه‌ها توجه نکنید. معمولاً سریال‌های پر بیننده و موفق درگیر این حاشیه‌ها می‌شوند.



## مرد حنجره طلایی

به همان اندازه که دنیای ما آدم‌ها، ماشینی می‌شود به همان اندازه هم شرایطی را فراهم می‌کند تا راحتی ما را فراهم سازد.

این احساس راحتی مدت‌هاست که به قافله کتابخوان‌های ما هم رسیده است. وفور کتاب‌های صوتی، این امکان را برای جامعه کتابخوان کشور به وجود آورده که دیگر به شکل سنتی با کتاب مواجه نشوند و آن را به صورت دیگری دریافت کنند. در حوزه رادیو از این امکان، سال‌هاست که به بهترین نحو استفاده می‌شود.

«کتاب شب» یکی از برنامه‌های شناخته شده رادیو در بین مخاطبان فرهیخته این رسانه است که به مدد انتخاب آثار ادبی و کلاسیک شاخص جهان و البته



حضور بهروز رضوی با آن صدای خاص خودش، به این برنامه وزنی داده است که آن را از سایر برنامه‌های مشابه کاملاً جدا می‌کند.

او با آن لحن غریب و فن بیان دلچسب چنان کتاب‌های نویسندگان بزرگ جهان را عالی و جذاب «خوانش» می‌کند که مخاطب بی‌اختیار شنیدن این برنامه را در دستور کارهای فرهنگی‌اش قرار می‌دهد.

سال‌ها کار در عالم رسانه به او این قابلیت را داده که به لطف صدای رسا و گیرایش، به هر اثر هنری بعد دیگری بیخشد. شنیدن برنامه‌های «کتاب شب» این قابلیت را دارد که برای خیلی‌ها به یک خاطره خوش آیند شبانه تبدیل شود.



# خندیدن به دردهای بی درمان

## این روزها سریال‌های طنز پررنگ‌تر از همیشه در تلویزیون خودنمایی می‌کند

سحر مظفری

با شروع ماه رمضان مارتن پخش سریال‌هایی که به دلیل حال و هوای این ماه جنبه معنوی بیشتری هم دارند آغاز می‌شود اما امسال برخلاف سال‌های گذشته نه خبری از سریال‌های ماورایی و حضور شیطان و فرشته در بین سریال‌های ماه رمضان و نه از رضا عطاران و حمید لولایی و تیم همیشگی‌شان نیست. ماه رمضان بعد از نوروز فرصتی است که مخاطبان بیش از هر زمان دیگری پای برنامه‌های تلویزیون و بخصوص سریال‌های آن می‌نشینند و تلویزیون به ویترونی برای نمایش سریال‌هایی با ژانرهای مختلف تبدیل می‌شود. پس از نوروز حالا نوبت رمضان است که علاقه‌مندان به طنز با تکیه کلام‌ها و موضوعات تلخ و شیرین سریال‌ها همراه شوند.

### علاقه به خندیدن

زمانی بود که طرفداران برنامه‌های طنز هر شب پای برنامه‌های طنز می‌نشستند و نود شب با آن همراه می‌شدند، اما با رخت بر بستن طنزهای نود شبی، حالا نوروز و ماه رمضان به دو زمان عمده پخش این سریال‌ها تبدیل شده است. بسیاری از آنها که پای برنامه‌های تلویزیون می‌نشینند دوست دارند موضوعات جدی و واقعی زندگی را در قالب طنز از زبان بازیگران فیلم‌ها و سریال‌ها ببینند و بشنوند و برای دقایقی خستگی یک روز گرم و روزهداری را به درکنند.

این روزها سریال‌های طنز محبوبیت بی‌سابقه‌ای بین مردم پیدا کرده است اما آن سریال‌هایی در ذهن‌ها می‌ماند که فقط قصد خندانند و به اصطلاح طنزهای نداشتند باشند و در دل خود به یکی از موضوعات روز که جزئی از درگیری ذهنی مردم است بپردازند. مردم دوست دارند بخندند ولی نه به هر قیمتی. تجربه نشان داده آنها سریال‌هایی که فاقد خلاقیت باشند را پس می‌زنند. چند سالی از پخش سریال‌هایی مثل «متمم ریخت»، «بزنگاه»، «خانه به دوش» که در ماه رمضان سال‌های گذشته از تلویزیون پخش شد، گذشته است اما هنوز

این سریال‌ها در خاطر خیلی‌ها مانده است. اگر از مخاطبان تلویزیون دلیل علاقه زیاد آنها به سریال‌های طنز را بپرسید احتمالا برای بیشتر آنها سرگرمی و جمع شدن خانواده دور هم و بیان مشکلات با زبانی طنز را بیشترین دلیل علاقه‌شان به این سریال‌ها می‌دانند.

### طنز آپارتمانی

به غیر از سریال‌های پایتخت ۳ و زیرزمین که در ژانر طنز می‌گنجد و شب‌های ماه رمضان از شبکه آی فیلم پخش می‌شود امسال سه سریال طنز برای پخش از شبکه‌های مختلف سیما در نظر گرفته شده بود که دو مجموعه به دلایلی به پخش در شب‌های ماه رمضان نرسید ولی ما در اینجا نگاهی به دو مجموعه دیگر هم داریم که هر کدام موضوعی را دستمایه خود قرار داده‌اند. هرچند ممکن است در نگاه اول همه این سریال‌ها طنز به نظر نرسند اما بیشتر دیالوگ‌های آنها می‌تواند خنده را به لب مخاطب نشاناند زیرا

کار قبلی علیرضا بذرافشان، «نابره رنج»، می‌اندازد که از سریال‌های بی‌ادماندنی تلویزیون است.

### دردسرای حضور یک گاو

حتما ساعت شنی را یادتان هست، همان مجموعه‌ای که درباره خانم دکتری (با بازی رویا نونهالی) است که متخصص زنان و زایمان است، اما خودش بچه‌دار نمی‌شود و تصمیم می‌گیرد یک رحم (اجاره‌ای) پیدا کند. حالا بهرام بهرامیان با کار تازه‌اش جاده قدیم مهمان خانه‌ها شده تا قصه سه نفر را که صاحب یک گاو هستند روایت کند. نعمت و زینت با گاوی که چه‌بیزه زینت است به شهر می‌آیند و می‌خواهند گاو را بفروشند اما در جریان اتفاقاتی که برایشان می‌افتد به این نتیجه می‌رسند که باید از همین گاو و فرآورده‌هایش استفاده کنند و بهتر است از خیر فروختن آن بگذرند. استفاده از حیوانات در لوکیشن‌های یک سریال می‌تواند موقعیت‌های خنده‌داری را به وجود آورد. در حقیقت حضور یک گاو در فیلم و دردسرهایی که بعد پیش می‌آید یکی از خلاقیت‌هایی است که کارگردان فیلم به خرج داده است و طنزی متفاوت از سریال‌های دیگر را نشان می‌دهد.

### کل کل‌های پدر و پسری

سروش صحت این روزها در تلویزیون پرکارتر از همیشه است. پس از سریال پژمان که با استقبال خوب مواجه شد حالا سراغ موضوعی رفته که ممکن است مساله خیلی از خانواده‌ها بخصوص پدر و فرزندان باشد. هرچند سریال «شمعدونی» به پخش برای ماه رمضان نرسید و جایش را به هفت سنگ داد اما بعد از پایان ماه رمضان مخاطبان تلویزیون سریالی را می‌بینند که شاید تا حدود زیادی با کلیشه‌ها فاصله داشته باشد. صحت، این بار کل کل‌های پدر و فرزندی را دستمایه کار خود قرار داده و رفاقت پدر و پسر را نمایش می‌دهد. در حقیقت در شمعدونی جای پدر و پسر عوض می‌شود و از حالت خشک و رسمی همیشگی درمی‌آید و کلافگی پدر در سریال به نمایش گذاشته می‌شود که خود در موقعیت پاسخگویی و توجیه و جواب پس دادن قرار می‌گیرد و باید مثل بچه دست نوازش به سرش کشید.



### نمایش آسیب‌های اجتماعی با زبان شیرین

مهدی مظلومی، کارگردان سریال‌هایی مثل بدون شرح، کمربندها را ببندید، بانکی‌ها و لطف دور نزنیم درباره سریال‌های طنز می‌گوید: به نظر من اشکال بزرگ ما این است که این تصور غلط را در مخاطب ایجاد کرده‌ایم که هزل، هجو و لودگی همان طنز است. بعد وقتی کار طنز اصولی تولید می‌کنیم مخاطب همان توقع هجو و هزل را از آن دارد و فکر می‌کند باید به تمام لحظه‌های آن بخندد و مدام لطیفه بشنود. در صورتی که کار طنز، نمایش آسیب‌های روز اجتماعی با زبان شیرین و به نقد کشیدن آنهاست. برای مثال مجموعه بدون شرح موقعیت اجتماعی زمانه خود را به تصویر می‌کشد. در لطف دور نزنیم هم مشکلات و مسائلی طرح شده که به روز است و در شرایط فعلی مردم درگیر آن هستند و این یکی از ویژگی‌های واقعی طنز است. این نکته مهمی است که باید در کارهای طنز لحاظ شود. اما ما در این مسیر و در بیان موضوعات طنز به بیراهه رفتیم. من هیچ وقت سعی نکردم در کارهایم مخاطب را به زور وادار به خنده کنم و اگر او در لحظاتی خندیده است با توجه به موقعیت، این حس برایش شکل گرفته است. همواره سعی کرده‌ام اتفاقات داستان را شیرین بیان کنم.

مهدی مظلومی ادامه می‌دهد: حرف‌هایی که در طنز عنوان می‌شود همیشه تلخ است و من لحن بیان این تلخی را با هجو و هزل شیرین نمی‌کنم. این موضوع مانند لطیفه تعریف کردن است، شما یک لطیفه می‌شنوید همان لحظه شاید خیلی بخندید اما این لطیفه خیلی زود از ذهن شما پاک می‌شود، دنبال کردن این نگاه در کارهای طنز باعث می‌شود، آن اثر مخاطب را متاثر نکند. من همیشه سعی می‌کنم لحنی را انتخاب کنم که روی مخاطب تاثیرگذار باشد به طوری که ببینند پس از دیدن آن، نگویند که چی؟ همیشه از این که مخاطب چنین واکنشی نشان دهد، می‌ترسم. خیلی راحت می‌شود مخاطب تلویزیون را در مجموعه‌های دنباله‌دار سرگرم کرد. اما باید کاری تولید کرد که تاثیر خود را داشته باشد.



### خندان مردم سخت است

شهاب عباسی، کارگردان، بازیگر و نویسنده مجموعه طنز خنده بازار درباره پرمخاطب بودن سریال‌های طنز می‌گوید: مردم خنده می‌خواهند و مخاطب کارهای طنز همیشه بیشتر بوده است به دلیل این که مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم زیاد است و آنها به دنبال بهانه‌ای برای خندیدن هستند. عباسی که تجربه حضور در مجموعه‌های دار و ندار و شکر پنیر را هم در کارنامه دارد، درباره دلیل اقبال مردم به سریال‌های طنز می‌گوید: مردم به دنبال برنامه‌هایی هستند که نگاه انتقادی داشته باشند. تجربه نشان داده آنها کارهای شعاری را پس می‌زنند و برعکس به برنامه‌هایی که نگاه انتقادی به مسائل دارد توجه نشان می‌دهند. ریتم برنامه در کارهای طنز تند است و داستان زود پیش می‌رود در صورتی که کارهایی که طولانی هستند و بی‌دلیل داستان را کش می‌دهند با شکست مواجه می‌شوند.

او درباره ضعف کارهای طنز هم می‌گوید: ما کم‌دی‌ساز کم داریم و کسانی که قبلا در ژانرهای دیگر فیلم می‌ساختند سراغ ساخت سریال‌های کم‌دی آمده‌اند. حتی در دانشگاه و آموزشگاه‌ها هم اصول طنز تدریس نمی‌شود و بنابراین در پرورش کم‌دی‌ساز با مشکل مواجه هستیم. به علاوه بازیگران در کارهای طنز چندان متکی به متن نیستند و به صورت بداهه برخی از دیالوگ‌ها را می‌گویند و این خود باعث می‌شود کار با شکست مواجه شود و ببینند را نخنداند. خندانند مردم و کارگردانی کارهای طنز سخت است.





# لباس نشاط بر تن ویژه برنامه های افطار

احسان رحیمزاده

در بررسی محتوای ویژه برنامه های ماه افطار رمضان و مقایسه آن با برنامه های سال های دور، تغییری بنیادی نگاهها را به سمت خودش جلب می کند. دست اندرکاران رسانه ملی در گذر از سال ها به این نتیجه رسیده اند که باید کشف شادی آفرینی و نشاط برنامه ها را سنگین تر کرد تا مخاطب را سرگرم کند. نگاهی به فهرست برنامه های امسال و سه چهار سال گذشته این نظر را تأیید می کند.

تفاوت بارز ویژه برنامه های افطار و سحر در این است که در برنامه های سحر مردم دوست دارند لحظاتی را با دعا و نیایش سپری کنند و از سخنرانی های علمی و مذهبی بهره ببرند؛ اما در ویژه برنامه های افطار در کنار بخش های نیایش و سخنرانی، سوژه های اجتماعی و فرهنگی در قالب های گزارش و مستند و مصاحبه سهم بیشتری برای خودنمایی پیدا می کنند. البته همه این سوژه ها در برنامه های اخلاقی دارند و از این منظر مطرح کردنشان در ماه مبارک رمضان منطقی به نظر می رسد.

**مصاحبه خانوادگی با چهره ها در «شهر باران»**  
امسال ویژه برنامه های افطار با تغییراتی نسبت به سال گذشته روانه آنتن می شود. تنها برنامه ثابتی که مجری و عواملش دست نخورده باقی مانده است «ماه عسل» است که البته قرار شده این برنامه هم در رویکردش تغییراتی داشته باشد.

شهر باران امسال با تهیه کننده جدیدش، حامد عقیلی از شبکه یک پخش می شود. نکته کنجکاوی برانگیز این برنامه نشستن داریوش کاردان بر صندلی اجرای برنامه است. او از مجریان قدیمی و پیشکسوت تلویزیون محسوب می شود که پنج سال است در این رسانه هیچ برنامه ای نداشته است.

وقتی نام کاردان می آید ذهن ها به سمت اجراهای رادیویی او می رود و همچنین برنامه های طنزی که برای آنتن تلویزیون تدارک دیده است.

«صندلی داغ» یکی از محبوب ترین برنامه های این مجری بود که در آن با اهالی فرهنگ و سیاست به گفت و گو می نشست و پرسش های چالشی را با آنها مطرح می کرد. این برنامه گرچه الگو گرفته از شبکه های خارجی بود؛ اما در شکل ایرانی اش بسیار خوب جافتاد و مورد استقبال بینندگان قرار گرفت.

داریوش کاردان جسورانه سوال می پرسید و ترس و واهمی از واکنش طرف مقابل نداشت. شاید به همین دلیل بود که خیلی زود صندلی داغ دچار حاشیه شد و او جایش را به مجری دیگری داد.

رد پای نقد و نقادی در همه کارهای کاردان دیده می شود. او چند سال پیش مجموعه طنز «شبکه سه و نیم» را در شبکه سه راه انداخت که وضع برنامه سازی در تلویزیون را زیر تیغ نقد می برد. برنامه ای که داستان شبکه خصوصی ای به ریاست استاد خرناس را نمایش می داد و کاردان، نویسندگی، کارگردانی و بازیگری آن را به عهده داشت.

سال گذشته شهرام شکبیا اجرای برنامه رضانی «ضیافت الهی» را در شبکه دو به عهده گرفت. با این حساب داریوش کاردان دومین طنزپرداز است که سر و کلاهش در یک ویژه برنامه افطار دیده می شود. گزینش

این مجری ها برای یک برنامه رضانی نشان می دهد که اجرای شاد و باطراوت این گونه برنامه ها برای مدیران تلویزیون اهمیت بالایی دارد.

سال گذشته احسان ارغوانی، تهیه کننده برنامه «شهر باران» بود و امسال این مسئولیت به حامد عقیلی واگذار شد. ساختار برنامه تقریباً شبیه به همان چیزی است که سال گذشته شاهد بودیم. هر روز یک مهمان در استودیو حاضر می شود و درباره مسائل معنوی زندگی اش صحبت می کند. تفاوت این بخش نسبت به سال گذشته این است که در رمضان ۹۳ قبل از حضور مهمان اصلی، خانواده او رودرروی مجری می نشینند و درباره ویژگی های اخلاقی او نکاتی را می گویند. صحبت با خانواده هنرمندان و بازیگران، رسمی است که از مجلات خانوادگی به

**ضیافت الهی به «دم افطار» منتقل شد**  
سال گذشته شبکه دو در لحظات افطار «ضیافت الهی» را برپا کرد که امسال این برنامه با شکل و شمایل جدید به شبکه تهران منتقل شده است. شبکه دو امسال ترجیح داده به جای ساخت ویژه برنامه افطار در ساعت ۲۰ به مدت نیم ساعت با کربلا ارتباط زنده برقرار کند. این برنامه که «کوی محبت» نام دارد، در مدت زمانی کوتاه مردم را در جریان حال و هوای معنوی کربلا قرار می دهد.

محمد تقی فاضلی امسال «ضیافت الهی» را به شبکه تهران برده و البته عنوانش را هم تغییر داده است. «دم افطار» به صورت زنده هر روز ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه از شبکه تهران پخش می شود.



سال گذشته افرادی که می خواستند در کارهای خیریه سازمان بهزیستی حضور داشته باشند، با یک پیامک خالی آمادگی شان را اعلام می کردند. امسال نیز سازمان بهزیستی و سرای احسان کهریزک در ساخت برنامه مشارکت دارند. برنامه «دم افطار» در ماه رمضان میزبان خوانندگانی چون قاسم افشار، مجید اخشابی، محمد علیزاده، رضا صادقی، فریدون آسرایی، مهراج محمدی، مانی رهنما، حامی، بهرام پاییزی، بنیامین بهادری، حمید خندان، چنگیز حبیبیان، بابک جهانبخش، رحیم شهریاری، مهرداد شهسوارزاده، بهنام علمشاهی، امیر تاجیک، مازیار عصری و شهرام زندگی خواهد بود.

اجرای این برنامه را مجید براق با فان به عهده دارد و دعوت از خوانندگان و بازیگران مطرح کشور، دیدار با مددجویان سازمان بهزیستی و سرای احسان و تجلیل از خانواده های شهیدای مفقودالتر از بخش های مهم این برنامه است.

برنامه «ضیافت» نیز ویژه برنامه افطار شبکه قرآن و معارف سیماست که با هدف شناخت بهتر از سیره ۳۰ نفر از مراجع و کارشناسان قرآنی تولید شده است. در این برنامه از فرزندان و بازماندگان این بزرگان برای حضور در استودیو دعوت شده و با آنها گفت و گو خواهد شد. این برنامه به زندگی و شخصیت بزرگانی نظیر آیت الله بهجت، آیت الله فاضل، آیت الله تبریزی، آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی، آیت الله بروجردی، آیت الله حائری، آیت الله بهاءالدینی، آیت الله مجتهدی، آیت الله تهرانی، علامه طباطبایی، علامه جعفری، علامه امینی، آیت الله خوانساری، شیخ عباس قمی، علامه مجلسی، بانو امین و... می پردازد.

رادیو ایران نیز برنامه «مهمان آسمان شو» را در ماه مبارک رمضان و به منظور بهره گیری هر چه بیشتر از برکات این ماه پخش می کند. این برنامه که رویکردی

اطلاع رسانی دارد، روزه داری و چگونگی تقویت روح و روان برای پرهیز از محرمات را از زوایای مختلف بررسی می کند. حسین معصومی تهیه کننده و امیرحسین مدرس گوینده برنامه هستند.

## نمایش شکوه مهربانی در «ماه عسل»

شناخته شده ترین و محبوب ترین ویژه افطار بدون شک «ماه عسل» است که از نظر استمرار و ماندگاری نیز گوی سبقت را از دیگر برنامه ها ربوده است. این برنامه امسال از ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه آغاز می شود و تا چند دقیقه مانده به افطار به اتمام می رسد. «ماه عسل ۹۳» از همان قواعدی که خودش در سال های گذشته بنا کرده پیروی می کند. اصلی ترین قاعده این برنامه گفت و گو با آدم های معمولی است که کار مهمی در زندگی شان انجام داده اند.

احسان علیخانی، تهیه کننده و مجری برنامه اصلاً تمایلی به حضور چهره ها و ستاره ها در برنامه اش ندارد. چند باری هم که ستاره ها به برنامه آمده اند، انگیزه شان صحبت درباره محتوای ماه عسل بوده است. به عبارت دیگر آنها خودشان سوژه برنامه نشده اند و صرفاً درباره چیزی که قبلاً پخش شده، صحبت کرده اند. البته جالب است که همین هنرمندان هم وقتی روبه روی علیخانی نشستند، رازهای دلشان را بر ملا کردند. مثلاً بهنوش بختیاری در حالی که اشک می ریخت توضیح داد که در نوجوانی روزگار سختی داشته و برای تأمین مخارج زندگی اش مجبور به منشی گری شده است.

ماه عسل با انتخاب سوژه های مناسب قبل از آغاز برنامه، مسیر زیادی از راه موفقیت را طی می کند. این سوژه ها در هر قالب دیگری هم که عرضه شوند (روزنامه، مستند، نمایشی، گزارش و...) جذاب و دوست داشتنی هستند. ضمن این که ماه عسل پرداخت خوبی هم دارد و جذابیت سوژه ها را دو چندان می کند. علیخانی در هر برنامه شخصیتش را در قالب یک فیلمنامه داستانی قرار داده و صبر می کند تا او بازی واقعی خودش را ارائه کند. به همین دلیل خیلی از اتفاقات این فیلمنامه داخل همان استودیو اتفاق می افتد و شخصیت اصلی فقط توصیف گر و روایت کننده ماجرا نیست. در داخل استودیو لابه لای توصیف های کلامی، کنش هایی را می بینیم که بعضاً نقطه عطف داستان را تشکیل می دهند. مثلاً در یکی از قسمت ها پیرمردی را دیدیم که روی آنتن زنده از یک پیرزن خواستگاری کرد. ماجرای پدر و مادری که صاحب فرزند نمی شدند و از فرزند معلول به نام میلاد نگهداری می کردند نیز تا مدت ها نقل محافل بود. پس از آن که میلاد از دنیا رفت احسان علیخانی مسئولیت نگهداری فرزند بی سرپرست به نام «شاهین» را به آنها واگذار کرد و صحنه هایی تماشایی از خوشحالی این پدر و مادر را به تصویر کشید.

محتوای کلی ماه عسل شاید در نگاه اول ارتباط چندانی با ماه رمضان و روزه داری نداشته باشد؛ اما با کمی دقت درمی یابیم که در محتوای هر داستان طیف متنوعی از ارزش های انسانی نهفته شده است. آدم های این داستان از راه ناپسندی که رفته اند اظهار پشیمانی می کنند و همچنین عظمت و شکوه مفاهیمی چون گذشت، همیاری، صداقت، آشتی، مهربانی و صلح را به یاد همگان می آورند.

ماه عسل به معنای فرصتی است که در آن همه چیز خوب و زیبا و شیرین جلوه می کند. در این ماه دست و پای شیطان در زنجیر است و مؤمنان به لطف و خطا پویشی خداوند از همیشه امیدوارترند. اگر چه سوژه های ماه عسل در نگاه اول تلخ و سیاه به نظر می رسند، اما مجری برنامه تلاش می کند هر بار روزه ای از نور و امید را به سوی بینندگان و مهمانان بگشاید. دفتر ماه عسل معمولاً امیدوارانه بسته می شود و افرادی که در استودیو هستند عنوان می کنند با وجود همه مشکلات و سختی ها، منتظر اتفاقات خوب و شیرین هستند.



فضای تلویزیون کشیده شده است. خیلی از چهره ها تمایل ندارند مردم با خانواده شان آشنا شوند و این اتفاق را ورود رسانه ها به حریم خصوصی شان می دانند. از آن طرف برخی دیگر در این زمینه منعی ندارند و به استقبال مصاحبه های خانوادگی می روند. باید منتظر بمانیم و ببینیم ترکیب مصاحبه با چهره های سرشناس و خانواده های شان امسال چگونه جواب می دهد.

جمشید مشایخی، داریوش ارجمند، پروانه معصومی، فتحعلی اویسی، مسعود دهنمکی، امیر دریاسالاری، وحید شمسایی و حجت الاسلام شهاب مرادی از مهمانانی هستند که حضورشان در برنامه قطعی شده است.

شبکه یک چون به همه ایرانیان تعلق دارد، باید آداب و سنن گوشه و کنار کشور را بازتاب بدهد و همه قومیت های ایرانی بتوانند مناسبات خودشان را در این شبکه ببینند. سال گذشته گزارشی از سفره های افطاری شهرستانی های روزه دار در این برنامه روانه آنتن شد که امسال هم پخش آن ادامه خواهد داشت.



# گزارش به وقت مسطیل سبز

## گزارشگری مسابقات ورزشی در رادیو و تلویزیون تفاوت ساختاری دارد

رضوان اناری



می‌گویند پله، اسطوره فوتبال برزیل، نتوانسته است دو بازی تیم ملی کشورش را از نزدیک ببیند. یکی از آنها جام جهانی ۲۰۱۴ بود که پله در ترافیک اطراف ورزشگاه گیر کرد و از طریق رادیو مسابقه فوتبال را دنبال کرد. این مثال نشان می‌دهد با وجود رشد فناوری و فراگیر شدن آن، ممکن است دسترسی آسان به تلویزیون و رسانه‌های دیداری فراهم نباشد، به همین دلیل هم بخش گزارش رقابت‌های حساس ورزشی از شبکه‌های رادیویی اهمیت بسیار بالایی پیدا می‌کند.

حالا هم که در اوج مسابقات جام جهانی برزیل و البته لیگ جهانی والیبال قرار گرفته‌ایم، شبکه‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی، بخش عظیمی از آنتن خود را به پوشش رقابت‌های ورزشی اختصاص داده‌اند، یعنی ممکن است در حالی که میلیون‌ها مخاطب پای تلویزیون نشسته‌اند تا از کوچک‌ترین جزئیات تصویری فوتبال عقب نمانند، عده‌ای هم با رادیو این رویداد بزرگ ورزشی را دنبال می‌کنند.

برخی مثل پله در ترافیک می‌مانند و بموقع به خانه یا ورزشگاه نمی‌رسند، برخی هم ممکن است در محل کار یا جایی باشند که دسترسی به تلویزیون برایشان امکان‌پذیر نباشد. به همین دلیل ساده، شنیدن چگونگی انجام بازی‌ها از رادیو هم می‌تواند گاه به اندازه دیدن آنها جذاب و تماشایی باشد. از میان شبکه‌های رادیویی داخلی، این وظیفه را شبکه رادیویی ورزش پرعهده گرفته تا روند مسابقات را به گوش مخاطبان مشتاق برساند.

اما باید توجه کرد که دنبال کردن مسابقه ورزشی از تلویزیون و رادیو تفاوت‌های زیادی با هم دارد که به ماهیت رسانه برمی‌گردد. از این رو وظایف یک گزارشگر در گزارش تلویزیونی با وظایف گزارشگر رادیویی دو شکل کاملاً متفاوت به خود می‌گیرند تا بتواند نیازهای مخاطب را تامین کند و به آن پاسخ بدهند.

تفاوت اصلی رادیو و تلویزیون، ابزار اصلی انتقال اطلاعات به مخاطب است. تلویزیون بر تصویر تاکید زیادی دارد در حالی که رادیو از تصویر بی‌بهره است. به دلیل همین تفاوت ماهوی، مخاطب برنامه تلویزیونی حتی بدون وجود گزارشگر و با صدای بسته تلویزیون هم می‌تواند بازی را دنبال کند، از روند اتفاقات آگاه شود و نتیجه نهایی را بداند اما در رادیو کاملاً برعکس است؛ رادیو بدون بهره‌گیری از تصویر، تنها روی صدا تکیه می‌کند و اگر مخاطب، صدای رادیو را قطع کند، انتقال پیام به طور کامل قطع می‌شود.

بر مبنای همین تفاوت کلی، وظیفه گزارشگر تلویزیونی، هرچند هنوز هم پررنگ است اما مثل گزارشگر رادیویی حیاتی و الزامی نیست. گزارشگر تلویزیونی می‌تواند در بخش‌هایی از یک رقابت ورزشی سکوت کند و به مخاطب اجازه دهد خودش روند بازی را دنبال کند و از آنجا که مخاطب، خود به طور مستقیم شاهد چیزی است که گزارشگر هم آن را می‌بیند، گزارشگر می‌تواند در کنار توصیف رقابت - آن هم به صورت محدود - به آنالیز بازی، معرفی پیشینه تیم‌ها و بازی‌ها، احتمالات بعدی و... بپردازد.

جام جهانی برزیل و ویژه  
برنامه‌های دیدنی

محمد جلیوند

جام جهانی فوتبال به‌عنوان یک جشن واقعی برای دوستداران این رشته ورزشی، هر چهار سال یکبار تب فوتبال را به بالاترین سطح خود رسانده و مخاطبان میلیونی را پای تلویزیون‌ها می‌نشاند. شبکه‌های مختلف سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دوره‌های قبل ویژه برنامه‌هایی را برای این ایام تدارک دیده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به برنامه ۲۰۱۴ به تهیه‌کنندگی عادل فردوسی‌پور و ورزش از نگاه دو با اجرای میثم زمان‌آبادی اشاره کرد که هر دوی آنها در قیاس با برنامه‌های مشابه پیشین خود کیفیت بسیار بهتر و بالاتری داشته‌اند. ۲۰۱۴ را می‌توان طولانی‌ترین برنامه زنده تلویزیونی قلمداد کرد که از ۱۹ و ۳۰ دقیقه شب آغاز و گاه تا ۷ و ۳۰ صبح روز بعد به طول می‌انجامد! وضعیتی که هنگام دورمقدماتی جام بر این برنامه حاکم بوده و انصافاً گروه ۲۰۱۴ بخوبی از عهده انجام آن برآمده‌اند، بی‌آن‌که اثر چندانی از خستگی در چهره افراد جلوی دوربین به چشم بخورد.

برگ برنده برنامه یاد شده حضور مهمان‌های ویژه همچون: دونگا (کاپیتان سابق تیم ملی برزیل) به تناسب بازی‌های روی آنتن بود که با اجرای خوب فردوسی‌پور همراه شد. البته این امر در شب‌های بعد کم‌رنگ و ارتباط مستقیم اینترنتی با صاحب‌نظران و مربیان به مرور جایگزین آن شد. شب‌های نخست عادل فردوسی‌پور با توجه به وظایف تهیه‌کنندگی‌اش کمی آشفته و سردرگم به نظر می‌رسید که گاه به از ریتم افتادن برنامه منجر می‌شد. البته این موضوع در شب‌های بعدی تا حدودی رفع شد و ۲۰۱۴ با ضعف‌های کمتری روی آنتن رفت. استفاده از کارشناس‌های ثابتی همچون امیر حاج‌رضایی، محمص و حمیدرضا صدر نیز یکنواختی را به بحث‌های کارشناسی حاکم کرد که در بسیاری مواقع حوصله مخاطبان را سر می‌برد! حضور گرم و پرانرژی محمدحسین مینافی در بخش خبرهای جام جهانی، یکی دیگر از نقاط قوت برنامه است که فضای پرشور و هیجان جام را به مخاطبان تلویزیونی منتقل می‌کند.

ورزش از نگاه دو در دوره جدید پخش خود به شیوه‌ای کاملاً متفاوت عمل کرده و با بهره‌گیری از اسپانسرهای قدرتمند، پای نامدارانی همچون لوتار ماتیسوس را به ایران باز کرد. آنها در ویژه‌برنامه‌های جام جهانی خود به برزیل رفتند و استودیویی را برای تهیه و تولید راه‌انداختند که حاصل آن گزارش‌های جذابی از سطح شهر پیش از بازی‌های مهم جام بود.

در حقیقت زمان‌آبادی و گروه جوانش بخوبی

Brasil  
2014

روح شاد و پر نشاط برزیل به

هنگام جشنی جهانی را به تصویر کشیدند و در خلال آن پای فوتبال‌لیست‌های قدیمی نامداری همچون بهبه‌تورا - که بینندگان سن و سال دارتر برنامه، خاطراتی از آنان دارند - را نیز به استودیوی خویش باز کرده‌اند. در این میان تنها ضعف عمده این ویژه‌برنامه به اجرای شادمان و دهقانی در استودیوی تهران بازمی‌گردد که گاهی برنامه را از ریتم انداخته و آن را به اصطلاح دوپاره کرده است. ضعفی که تهیه‌کنندگان برنامه را واداشته تا از بابازاده (مجری جوان تلویزیون) در کنار این دو بهره‌گیرند که در یکی دو برنامه اخیر، آثار مثبت آن کاملاً به چشم مخاطب آمده است.

یا هر ورزش دیگری به دلیل خاصیت زنده بودن، از افکت استفاده نمی‌شود اما صدا و سکوت اهمیت بالایی پیدا می‌کند. گزارشگر باید بداند چه زمانی صحبت کند و چه زمانی با سکوت خود، اجازه دهد مخاطب با جو ورزشگاه و تماشاچیان حاضر در استودیو همراه شود و خود را در صحنه احساس کند.

البته باید توجه کنیم این تفاوت‌های بنیادی بین گزارشگری رادیو و تلویزیون جدا از شباهت‌ها و اصول مشترک گزارشگری در هر رسانه‌ای است. هر گزارشگری باید اصولی مثل بی‌طرفی، جانبداری نکردن، صحت اطلاعات، تناسب، وحدت و عینیت را رعایت کند.

گزارشگری که از عهده‌ارائه اطلاعات صحیح به مخاطب بر نمی‌آید یا به شکل مشخص و واضحی، جانبدارانه عمل می‌کند نمی‌تواند در درازمدت و حتی کوتاه‌مدت، اعتماد مخاطب را جلب کند و چه بسا موجب انتقاد مخاطب به عملکرد کلی رسانه و گسترش بی‌اعتمادی در میان مخاطبان نسبت به اهالی یک رسانه شود.

این اصول مشترک، اساس کار هر گزارشگری را تشکیل می‌دهند اما گزارشگر باید با توجه به نوع رسانه، حساسیت رقابت‌ها، مخاطبان، هدف‌گذاری شبکه، نوع رقابت‌ها، اطلاعات به روز و مهم‌تر از آن، ماهیت رسانه‌ای که برای آن گزارش می‌کند به همه معیارهای مورد نیاز و عوامل تعیین‌کننده توجه کند تا بتواند در کار خود موفق شود و گزارشی درخور نیاز مخاطب و شان رسانه ارائه دهد.

توجه به این نکته نیز ضروری است که رسانه در جریان یک مجموعه از رقابت‌ها که چندین روز به طول می‌کشد می‌تواند از عادت مخاطبان برای شنیدن یا دیدن برنامه‌ها استفاده و آنها را در پایان این مجموعه رقابت‌ها با خود همراه کند. البته این مساله، بستگی مستقیمی به عملکرد رسانه و بخصوص گزارشگران در این دوره دارد.

از سوی دیگر، وظیفه گزارشگر تلویزیونی است که بر اساس آنچه دوربین‌های حاضر در یک مسابقه ورزشی شکار می‌کنند و نمایش می‌دهند، اطلاعاتی را به مخاطبان منتقل کند. از این رو، تصویر، پررنگ‌ترین جزء یک گزارش تلویزیونی است. البته یک گزارشگر باهوش، به روز و آشنا به قواعد رسانه‌ای می‌تواند آنچنان حس هم‌ذات‌پنداری مخاطب را برانگیزاند که به یکی از قهرمان‌های مسطیل سبز تبدیل شود.

اما داستان رادیو کاملاً متفاوت است؛ تنها منبعی که مخاطب برای آگاه شدن از جریان بازی در اختیار دارد، صدای گزارشگر و صدای بازی است. در اینجا نقش توصیفی گزارشگر کاملاً برجسته می‌شود چرا که برخلاف تلویزیون، گزارشگر رادیو چشم مخاطب است و مخاطب از طریق گزارشگر بازی را در تخیل خود مجسم می‌کند و به نوعی بازی را می‌بیند به همین دلیل، اگر گزارشگر در کار خود متوجه این تفاوت اساسی رادیو و تلویزیون نشود و نتواند حوادث و وقایع بازی را بموقع و با توصیف مناسبی ارائه دهد، مخاطب را از ادامه دنبال کردن جریان یک واقعه ورزشی منصرف می‌کند.

گزارشگر رادیویی باید بتواند با استفاده از کمترین واژه‌ها، صحنه‌های حساس را گزارش کند تا از روند بازی عقب نماند. او باید به زبان، تسلط کافی (و شاید فراتر از کافی) داشته باشد. این گزارشگر نسبت به گزارشگر تلویزیونی، وظیفه بیشتری دارد چرا که علاوه بر توصیف دقیق بازی، اطلاعات لازم و تحلیل مناسب را هم باید به مخاطب منتقل کند. یک گزارشگر رادیویی، لازم است از زیاده‌گویی و حشو بپرهیزد و با توجه به نیاز مخاطب و تصمیمات در لحظه، بتواند آنچه را که خوشایند مخاطب است به او منتقل کند. نگاه دقیق و اطلاعات کافی از رشته‌ای که گزارشگر آن را گزارش می‌کند نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود کیفیت یک گزارش رادیویی و در نتیجه رضایت مخاطب خواهد داشت.

سه عنصر مهم رادیو در برنامه‌سازی عبارتند از: صدا، سکوت و افکت. در گزارش یک مسابقه فوتبال یا والیبال

**مازندران، بین نشارود و تنکابن**  
نزدیک به دریا و پلاز ماهان - ۲۰ متر زمین  
۱۳۵ متر بنا خنجرای سنگ، مالکیت، داخل بندرک  
۰۹۱۲۱۴۹۲۹۲۴ - ۰۹۱۰۱۰۹۰۴۷۱

**اکازیون**  
مجتمع ویلایی  
واقع در بندر انزلی  
شامل ۴ واحد ۵۰۰، ۴۰۰، ۲۵۰ و ۱۷۰ متری  
فروشی یا معاوضه با ملک در تهران بکجا یا جدا  
۰۹۱۱ ۶۳۸ ۰ ۸۷۹

**خرید ویژه خودروهای فرسوده**  
مرکز اسقاط کمزش پیمان (۱۷۱۸)  
بستاری و ولت  
۲/۹۰۰/۰۰۰ - ۲/۸۰۰/۰۰۰ - ۳/۲۰۰/۰۰۰ تومان  
انتقال رایگان خودرو  
۴۴۹۸۶۷۴۵-۸



گفت و گو با خالق آیت‌های  
تلویزیونی «فوتبال مدرن»

# برزیل با طعم فوتبال



رضوان اناری

فوتبال مدرن را امروز خیلی از مخاطبان تلویزیون می‌شناسند؛ کاراکترهای بانمکی که در آیت‌های چندثانیه‌ای فوتبال بازی می‌کنند و با حرکات عجیب و غریبشان بر لب مخاطب خنده می‌نشانند. علی در خشکی، طراح و نویسنده «فوتبال مدرن» است. او ایده این طرح را از کمیک‌استریپ‌های فوتبالی گرفته که خودش سال‌ها پیش - زمانی که کاریکاتوربست بوده - طراحی کرده است. همین جرقه باعث شد پای فوتبال مدرن به تلویزیون باز شود و این روزها - که با پخش مسابقات جام جهانی فوتبال، بازار فوتبال داغ است - میان برنامه‌های «فوتبال مدرن» هم توانسته اند جای خود را در دل مخاطبان باز کنند. آیت‌های فوتبال مدرن، سرشار از خلاقیت و سادگی است که با ترکیب شدن با کارتون‌های دوبعدی، حسی خوب و لذت‌بخش به مخاطب منتقل می‌کند. به بهانه پخش فوتبال مدرن، با علی در خشکی گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:

دیگر که همکاران دیگرمان تولید کرده‌اند می‌تواند یک کار متوسط باشد ولی وقتی یک کار انیمیشن خوب و بموقع پخش شود و موضوعش برای مردم جالب باشد مردم می‌بینند؛ این خود برای مسئولان و متولیان بخش انیمیشن یک نشانه است که کمی بیشتر توجه کنند و بودجه این بخش را کمی بیشتر کنند. در این صورت، خود به خود کمیت و کیفیت کارها بالا می‌رود.

تا به حال چند اپیزود تولید شده است؟

قرار بود ۱۵۰ اپیزود کوتاه باشد ولی به خاطر این‌که فرصت نشد و وقتمان کم بود، ۱۰۰ اپیزود تولید کردیم که بخش عمده‌اش هنوز پخش نشده است. فکر می‌کنم تعداد محدودی تا به حال پخش شده که حدود ۴ تا ۵ دقیقه است. ما حداقل ۲۰ دقیقه کار را تولید کرده‌ایم که آماده پخش است.

ایده‌های طنز چطور به وجود آمد؟ کمیک‌استریپ به هر حال داستانی را روایت می‌کند. آیا از داستان‌هایی که در مجله استفاده کردید، در اینجا هم استفاده کردید یا با توجه به شرایط الان فوتبال، داستان‌های جدیدی خلق کردید؟

بیشتر داستان‌ها را از صفر شروع کردم یعنی این‌طور نبود که برگردم و ورق بزنم ببینم چه ایده‌هایی در مجله داشتیم. خیلی از داستان‌های کمیک‌استریپ به کلام وابسته بود، اما باید در اینجا ایده‌های کاملاً تصویری می‌داشتیم. درست است که گزارشگر بانمکی هم روی انیمیشن‌ها گزارش می‌کند که کار را خیلی بانمک‌تر کرده ولی به هر حال اتفاقات کاملاً تصویری است. تعداد معدودی از ایده‌های ده سال قبل را به کار گرفتم یعنی خودم ننشستم و از صفر فکر کردم. این فقط جرقه کار بود و سعی کردم همه کار نوتر باشد و این‌که مخاطب غیرایرانی هم بتواند با آن ارتباط برقرار کند یعنی به کلام وابسته نباشد.

می‌شد کار را با موسیقی و افکت به نتیجه رساند، «گزارشگر» چگونه به فوتبال مدرن اضافه شد؟

من فقط می‌خواستم گزارشگر صدایی در زیر داشته باشد و نمی‌خواستم خیلی روی آن مانور بدهم. فقط می‌خواستم فضا را کمی برایمان پر کند، منتهی آقای

صولتی آنقدر خلاقانه گفتند که گزارشگر هم وزن پیدا کرد. در واقع فقط می‌خواستم یک گزارش آمریکایی لاتینی در پس زمینه کار باشد و حال و هوای برزیلی به کار بدهد، اما آقای صولتی خودش این ایده را آورد که کلمات فارسی بگوید که به نظرم خیلی بانمک شد. این ایده خودشان بود و بنده نقشی در آن نداشتم.

از خروجی کار راضی هستید؟

بله، خیلی خوب شده. البته اگر زمان بیشتری داشتیم قطعاً کار بهتری می‌شد، اما در همین زمان کوتاه، کار استاندارد و بانمکی شده است. همین که شما می‌گویید مردم خوب آن را می‌بینند، نشان می‌دهد کار خوبی شده است.

یعنی می‌گویید مردم تشخیص می‌دهند چه کاری خوب است و چه کاری خوب نیست. نمی‌توان برای مردم تعیین تکلیف کرد.

بله، مخاطب اصلی در هر صورت مردم هستند. البته باید حواسمان باشد. من هم همیشه در کارهایم مراقب این هستم که هیچ وقت موج‌سواری نکنم یعنی اگر پدیده‌ای همه‌گیر شده بدون این‌که تحلیل خودم را درگیر کنم راجع به آن کار نمی‌کنم. همیشه سعی کرده‌ام از بالا نگاه کنم که آیا صلاح هست راجع به یک مسأله کار شود یا نه.

شاید پدیده‌ای بین مردم گل کند و مردم جذب آن شوند، اما این پدیده در واقعیت، خیلی سازنده نباشد. خوب ترجیح می‌دهم وارد چنین مسأله‌ای نشوم ولی فوتبال بخصوص جام جهانی یک جشن جمعی است، موضوعش برای من خیلی جالب است و خوشبختانه مردم هم استقبال کردند.

الان چه کار جدیدی در دست تولید دارید؟

چند مجموعه داریم. یک مجموعه به اسم «بازار ماهی‌ها» برای شرکت فرهنگی هنری صبا کار کردیم که در حال صداگذاری‌اش هستیم. این کار برای کودک است. مجموعه دیگری به نام بیمار کار کردیم که برای کودک و نوجوان است. آن کار را هم با آقای علی اکبریان انجام دادیم. مجموعه دیگری به نام گزارش‌های اوتی است که اپیزود دوم آن را در دست اتمام داریم. کار جدیدی هم داریم که پیش تولید آن در حال شدن است. یک کار بزرگ و جدید است که سعی می‌کنیم جذاب باشد.

اگر پیشنهاد کاری جدیدی داشته باشید، باز هم در سبک فوتبال مدرن کار خواهید کرد؟

کاری که دست گرفتیم اگر خوب پیش رود فکر می‌کنم اجازه ندهد درگیر کار دیگری شوم.

ما مسابقات لیگ جهانی والیبال را هم داریم؛ مردم هم استقبال زیادی به عمل آوردند. چرا برای والیبال آیت‌ن ساختید؟

به هر حال باید تهیه‌کننده و سفارشی وجود داشته باشد. انیمیشن هزینه‌بر است و خود ما که تولید می‌کنیم، نمی‌توانیم اول خودمان هزینه کنیم و بعد کار را بفروشیم مخصوصاً که مشتری انیمیشن در ایران محدود است می‌توانیم بگوییم فقط صدواوسما مشتری انیمیشن است. انجام این کار کمی با ریسک همراه است.

با وجود این من از ساخت آیت‌ن برای والیبال هم استقبال می‌کنم. موضوعات ورزشی پر از نشاط و هیجان و جنب و جوش و رقابت است و ایده‌های زیادی برای کار می‌دهند. اگر سفارشی در این زمینه باشد، من حتماً این کار را انجام می‌دهم.

پرتیراژترین روزنامه کشور

# جام جمعه

درج آگهی نیازمندی‌ها با شرایط ویژه

در صفحات ضمایم هفتگه به صورت سراسری

تلفن دفاتر پذیرش:

۰۲۱-۸۸۳۳۸۳۳۴-۷    ۰۲۱-۴۲۷۲۱۱۱۰ و ۱۴-۳    ۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳-۳

(شیراز) ۰۷۱۱-۲۳۳۹۹۲۰    ۰۲۱-۶۶۳۴۲۵۷۲



# نیازمندی‌های ضمايم جامجهان

<b>خط پستگ رند</b> یژه فوری فروش ۰۹۱۲۵۶۱۲۸۹۹	<b>نمایندگه اتومبیل مهدی</b> خرید و فروش انواع اتومبیل صفر و کارکرده ۰۹۱۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ۰۲۱-۷۷۵۰۱۸۱۸ ۰۲۱-۷۷۵۰۲۰۵۰	<b>خدمات سیم‌کشی ساختمان</b> یوسفی ۰۹۳۰۹۱۷۲۱۷۰	<b>رایسان کابل</b> نمایندگی سیم و کابل کابلکان تهران راه افشان سحر و کت کابل فروشنده کابل‌های فشار قوی و ضعیف زردار، سرمدار، سیاه‌دار، مخابراتی، اتومبیل‌ها و خودنگهدار ۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱	<b>جاده آبیلی</b> منطقه مسکن خرم‌دشت بر بلوار اصلی ۱۳۰۰ متر زمین، ۱۴۰۰ متر سوله در ۲ طبقه، ۲۴۰۰ متر ساختمان اداری در ۳ طبقه، ۸۰ متر زمین مخصوص استراحتگاه کارگران، ۲ حلقه چاه آب، دارای پایان کار، تانک، گاز و ۱۵۰ متر برقی مسکنی ۰۹۳۵۹۱۳۳۳۶۶	<b>وزراء</b> ۲۸ متر جواز در ۵ طبقه در زمینی ۴۰۰۰ متری با ۶-۷ طبقه پارکینگ ۰۹۱۲۳۱۱۰۱۰۶ ۰۹۱۲۷۶۵۳۲۰۰	<b>تعمیرات میل سر</b> جیلان استیل و رامن ۴۴۴۵۵۶۷۳	<b>پک شرکت پخش معتبر</b> جهت تکمیل کار فروش خود در تهران و حومه به تعدادی بازارهای حضور و تقاضای زیاد است - دارای ۱۰۰ تنگه کفی - سوپرمارکتی ۶۶۹۲۳۸۹۶
<b>ترک اعتبار بانوان کوثر</b> بدون استرس ویژه خواهران، ثبت ۴۴۵ با نظارت پزشکی متخصص و مشاور ۰۲۱-۶۵۶۴۸۵۸۵-۶ ۰۲۱-۶۵۶۴۵۱۱۲ فکس ۰۲۱-۶۵۶۴۵۱۱۳ ۰۹۱۲۶۳۳۳۹۵۰	<b>پریشا خودرو</b> فروش ویژه انواع BMW ۰۹۱۲-۱۹۲۲۳۲۹	<b>کهن درب آریا</b> تولیدکننده درب و پنجره‌های ۲ جداره و مجدداره ۰۹۱۸۳۶۱۷۷۳۵	<b>کلیه برق علیان</b> تهیه و توزیع انواع لوازم برقی مسکن فشار قوی و ضعیف انواع سیم و کابل برق روشناسی فروش انواع آیفون‌های تصویری، درب‌های اتوماتیک دوربین‌های مدار بسته ۰۹۱۲۶۱۱۱۵۱۹ ۰۲۱-۳۳۹۸۴۰۶۶	<b>گرج - بر شهید بهشتی</b> جنب پروژه تجاری اداری بزرگ امیرنژاد ۵۶ هزار متری ۲ طبقه ۱۵۰ متر دفتری - اداری - انبار (فعال) ۳۰۰ میلیون وام بانکی فروش نقدی یا متوسط با درآمد بالایی ۳۰ میلیون (فوری به علت مسافرت) ۰۹۱۲-۱۶۹۲۱۵۷	<b>تسبیح بهایی جنوبی</b> ۳۸۶ متر - فروش فوری - فروش فوری - بر ۱۳/۵ گنجر ۱۲ با جواز ۵ طبقه ۰۹۱۲۱۵۰۴۶۳۸	<b>نودوزی احسان</b> دوخت رو مبلی، چادر نودوزی ماشین‌های سنگین ۰۹۱۲۱۶۲۴۰۱۸	<b>استخدام</b> به تعدادی ۱۲ و تمام جهت کار در یک موسسه نیازمندیم (تهران، کرخ و زعفران) حقوق ثابت + پورسانت ۲۲۰۵۲۶۰۴
<b>عمل جراحی لازم نیست</b> معالجه دیسک کمر و ستابک ۰۲۶-۳۳۳۰۸۶۲۶ ۰۹۳۲۹۱۵۰۹۵۹	<b>بهترین خریدار برنج ایرانی</b> هارم، هلندی، شیرودی، فجر و ... ۰۲۱-۶۵۲۴۸۵۸۲ ۰۹۱۲۱۹۰۲۱۰۰	<b>خدمات پلورگستر</b> تولیدکننده انواع پنجره‌های برقی ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳ ۰۹۱۲۸۴۳۰۷۱۸	<b>ساعتی مدیر عامل (خاص)</b> دعوت به همکاری می‌شود ۸۸۹۹۷۷۱۰	<b>گروه جدید پردیس</b> فروش ویژه املاک مسکونی نقد و اقساط آپارتمان ۶۶ متر تا ۱۵۰ متر مسکن مهر و شخصی ستر زمین مسکونی با جواز ساخت ۸۸۹۵۱۳۱۶ ۷۶۲۲۲۲۹۵ ۰۹۳۶۷۵۸۱۱۱۶ ۰۹۱۹۸۲۳۰۴۵۰	<b>آبانه گاشانی</b> جنب سینما مهر اسلامشهر ۳۰ متر مغازه فروش ۶۶۶۱۳۴۹۲ ۰۹۱۲۳۳۱۰۵۲	<b>صنایع فلزی مقدم</b> لاجت فلزی از تولید به مصرف ۰۹۱۲۸۱۰۲۰۰۳	<b>پک شرکت معدنکاری</b> به یک راننده پایه یک کبیرسی دارای ویژه دایرکت در رفسنجان نیازمند است شماره تماس ۰۳۹۱-۵۲۳۳۳۳۳
<b>فرونگاه شادی</b> مرشدکننده برندهای مطرح لوازم آرایش و بهداشتی ۰۸۱۱-۲۵۲۷۳۲۰	<b>کافی‌شاپ مدره‌خانه سنتی</b> شهر هنر VIP تهران، خیابان ولیعصر روبروی تئاتر شهر فلین کوجه سرمد و پشن طبقه سوم ۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷ ۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰	<b>کابینت‌سازی سید</b> تولید انواع کابینت تمام ابروی اف عزیز تعمیر، گد و ... ۰۹۱۲۷۷۷۲۸۲۶ ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳۳	<b>میدان خراسان</b> خیابان شب ۸۵ متر نوساز با پارکینگ و استیل ۰۹۱۲۱۹۸۶۸۶۴	<b>ساعاتی ویژه</b> معتمدی پایان‌نامه و کتب فقهی، عقاید کتب و ... ۰۸۱۱-۲۵۲۱۸۷۶	<b>سعادت آناه</b> ساختمان پهنه‌سازان ۹۲ متر ۶۴ خوابه بسیار لوکس با کلیه امکانات ۰۹۱۲۱۷۷۳۰۲۶ ۲۳۳۳۳۳۱	<b>سایت املاک همراه همیشه همراه شماست</b> خرید، فروش، رهن، اجاره فوری فوری و بدون واسطه با ارسال عدد ۹۹ به سامانه ۱۰۰۰۳۵۱۳۴۳۹۹۷۸ فورا به سایت: <a href="http://www.milakha.com">www.milakha.com</a> مراجعه کنید و تمام نیازهای خود را بر روی گوشی موبایل خود نصب کنید تا تغییر در معاملات املاک را احساس کنید تماس ۶۴ ساعت از تلفن ثابت یا گویای ۰۹۹۰۷۰۲۳۷ در خدمت شما عزیزان می‌باشد.	<b>گروه تخصصی املاک ستاره الهی</b> اجاره مستغلات فروش کتلی تخصصی انطباق خدمات عالی
<b>شیرینی خانگی</b> بانسو زهسرا ۷۷-۸۲۹۸۴	<b>رستوران خورشید</b> آماده عقد قرارداد با شرکتهای ۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷ ۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰	<b>حصارگی</b> ۰۹۱۲۷۷۷۲۸۲۶ ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳۳	<b>میدان خراسان</b> خیابان شب ۸۵ متر نوساز با پارکینگ و استیل ۰۹۱۲۱۹۸۶۸۶۴	<b>میدان خراسان</b> خیابان شب ۸۵ متر نوساز با پارکینگ و استیل ۰۹۱۲۱۹۸۶۸۶۴	<b>میدان خراسان</b> خیابان شب ۸۵ متر نوساز با پارکینگ و استیل ۰۹۱۲۱۹۸۶۸۶۴	<b>گروه تخصصی املاک ستاره الهی</b> اجاره مستغلات فروش کتلی تخصصی انطباق خدمات عالی	<b>فروش انواع لوازم برقی زیر قیمت</b> ۳۳۹۶۵۴۱۷
<b>مرکز آموزش زبان‌های خارجی</b> علامه قطب رواندی انگلیسی، فرانسه ۸۸۷۸۲۱۵۸ ۸۸۸۹۲۳۵۰۵۱	<b>سند منظودی</b> برگ کتیابی، نیونیا لندگروز مدل ۲۰۱۱ به شماره شهرنشانی ۱۲۷ ن ۵۶ ایران ۴۴ و شماره شانس ۳۶۸-۵۰۴۰ معفود گشته و از درجه اعتبار ساقط است.	<b>خدمات ساخت کابینت ام دی اف احسان</b> ساخت انواع کابینت، گد، گد دیوار و ... ۰۹۱۲۸۹۲۱۳۸	<b>لوته گشی ساختمان</b> تمام کارهای ساختمانی خود را به یک نفر بسپارید گش، لوته گشی، سیم کش، سرامیک و نقاشی ساختمان ۰۹۱۲۸۰۹۳۳۶۲	<b>فروش فوری دامداری</b> بهترین موقعیت شهرک دامچشمتر منطقه فشارقویه ساخت یک هکتار، جواز ۵۰ راس، سند ۵ دانگ ۰۹۳۷۳۳۷۷۷۲۹	<b>مهر شهر گرج - ابن سینا</b> ۱۶۹ متر ۳ خوابه کتید نظورده دواحدی، امکانات کامل، شخصی، ستر، تور و نقشه عالی، ۳۵ میلیون وام توری، سند آماده ۰۹۳۳۶۱۲۵۰۷۶ ۰۹۱۹۸۹۱۰۷۱۰	<b>گروه تخصصی املاک ستاره الهی</b> اجاره مستغلات فروش کتلی تخصصی انطباق خدمات عالی	<b>پخش مانو</b> ناخن ۳۰۰۰۰ ابلیس نخ ۱۸۰۰۰ خلفای برای ۱۵۰۰۰ جریز ۲ رو ۳۵۰۰۰ خلفای نانی ۱۸۰۰۰ ابلیس برای ۱۸۰۰۰ کتی از ۲۸ هزار تا ۳۵ هزار ۲۳۳۶۸۷۰۷ ۰۹۱۲۸۹۱۱۵۸۱
<b>آموزش کاربندی آبرین و علمی آبرین</b> سیستم دفاع شخصی ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳۳	<b>جرتیل انگلیسی</b> انواع جرتیل، سبک و سنگین ۰۹۱۲۱۲۵۶۶۸۲	<b>ایسوس</b> افره‌های دید خود را گسترش دهید <a href="http://aspro.co">http://aspro.co</a>	<b>لوته گشی آب</b> تعمیر ۰۹۱۲۴۵۰۵۳۹۳	<b>فوم تن آیه</b> با صد هزار متر نمونه کار ۰۹۱۲۶۲۰۸۷۸۲	<b>فروش زمین</b> به متراژ ۳۳۰ متر با سند مالکیت داخل بافت مسکونی، برق، آب، گاز، تانک، میرشعش الدین، کوجه شهید، عقیل شعش ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳۳	<b>حوالی ستر خان</b> سند اداری نقلی مناسب دفتر کار و سایر مشاغل ۰۹۱۹۷۷۲۱۶۹۴	<b>فروشگاه زنجیرهای هیس مارت</b> مجموعه جیلان منزل ۰۹۱۲۳۳۳۳۳۳۳۳



## اعلام اسامی برندگان مسابقه پیش‌بینی بازی‌های فونبال جام جهانی (دوره چهاردهم)

گروه	بازی	نتیجه	مشخصات برندگان	شماره همراه
E	هندوراس - کولمبیا	برند کولمبیا	اسماعیل خضایی - نام پدر، احمد خرفش، ۱۹۰۵۸، از تهران	۰۹۱۹۱۰۵-۴۹
E	اکوادور - فرانسه	صاوی	زهرا سنگی - نام پدر، غلامرضا خرفش، ۹۹۵، از شهرری	۰۹۳۸۶۵۵-۹۹
G	پرتغال - فنلاند	برد پرتغال	لیلا پیرمیرزادگان - نام پدر، حسن خرفش، ۴۴۷۷، از تهران	۰۹۱۹۱۳۹-۴۰
G	آمریکا - آلمان	برد آلمان	فرهاد خضایی - نام پدر، حسن خرفش، ۱۱۱۹۵، از تهران	۰۹۱۲۸۱۳-۱۳



ضمن قدردانی از حضور گسترده شرکت کنندگان در این مسابقه، به اطلاع می‌رساند برندگان خوش شانس که به فید فرعه انتخاب گردیده‌اند، می‌توانند حداکثر ظرف مدت « ۱ روز کاری از تاریخ اعلام، با شماره تلفن ۰۲۱-۲۲۷۲۱۱۲۱ تماس حاصل نموده و نسبت به دریافت جایزه خود اقدام کنند.



می‌کنند. بخشی از داستان با قصه خانواده محسن پیش می‌رود و در ادامه داستان‌ها و قصه‌های فرعی متعددی در دل قصه اصلی به وجود می‌آید. امیدواریم که سریال با توجه به برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تا قبل از شروع زمستان به پایان برسد و آماده پخش شود.

در میانه صحبت با هاشمی، فرمان صدا، دوربین، حرکت به گوش می‌رسد. زنگ افتتاح سریال از سوی کارگردان به صدا درآمده است.

#### داخلی. روز. سکانس هجدهم

در این سکانس مهرانه مهین‌ترابی، الهام حمیدی و امین زندگانی در نقش‌های اکرم، پرستو و مهدی بازی دارند. صدای زنگ در به گوش می‌رسد. اکرم با شتاب از اتاق بیرون آمده و به سمت آن حرکت می‌کند، در را باز کرده و به مهدی که چمدان به دست دارد کمک می‌کند. اکرم با مهدی و پرستو سلام و احوالپرسی می‌کند. اکرم: خیلی وقته منتظر تون هستم. خوش اومدین. مهدی (روبه مادر): چمدون‌ها رو کجا بذارم. حالا مادر از کادر خارج می‌شود. پرستو چند قدم جلوتر آمده و در حالی که چهره‌اش غمگین است، نگاهی به اطراف می‌اندازد.

ضبط این سکانس بعد از چند بار تمرین و دو برداشت با تأیید کارگردان، نهایی می‌شود.

#### همه چیز از جنس فیلمنامه است

تا شروع تصویربرداری سکانس بعدی با شهرام شاه‌حسینی، کارگردان اثر گفت‌وگو می‌کنیم. او درباره ویژگی‌های متن این مجموعه توضیح می‌دهد: با متنی مواجه هستیم که حاصل تلاش و زحمات‌های آقایان افخمی و میرمیران و نیز خانم قشقایی است و ممکن است با یکی دو بار خواندن هر کس را به این فکر بیندازد که قرار است در پس این همه معمولی بودن چه چیزی بیان شود، اما وقتی قصه آن قدر رئال است، به واقعیت شباهت دارد و از درام‌ها و ملودرام‌های معمولی پرهیز می‌کند، کار کارگردان کمی سخت می‌شود.

همچنین زمانی که داستان از پیچیدگی‌های معمول و مرسوم فاصله گرفته است و سعی کرده به آدم‌های قصه نزدیک شود، کار کارگردان را باید سخت‌تر هم دانست: «من هم تمام تلاشم بر این است که در این سریال دکوپاژی را به کار گیرم که از جنس خود فیلمنامه باشد. همچنین بقیه عوامل از جمله جنس بازی‌ها، گریم و حتی صدا نیز از فیلمنامه بیرون نزنند.»

این کارگردان که پیش از این سریال «تاوان» را برای شبکه سه سیما کارگردانی کرده، ادامه می‌دهد: از طرفی بازیگران گاهی ممکن است ده دور یا بیشتر هم تمرین کنند و به دلیل اهمیت و حساسیت کار، دیالوگ را حس و حفظ کنند.

او به تغییراتی که به پیشنهاد او در متن ایجاد شده، اشاره می‌کند و می‌گوید: من یکسری پیشنهاد داشتم که با علیرضا افخمی مطرح کردم. این پیشنهادات بسیار جزیبی بود و البته هیچ اشکالی هم به فیلمنامه وارد نمی‌کرد. بلکه در این جهت بود که من فیلمنامه را بهتر بفهمم و درک کنم که قصه از چه قرار است یا اگر آن را نفهمیدم با یک جمله اضافه و کم کردن، آن را برای خودم باورپذیر کنم. متأسفانه دلیل پایین آمدن کیفیت آثار در سینما یا تلویزیون ریشه اش در این است که همکاران ما سر کارهایی حاضر می‌شوند که آن را دوست ندارند. همین موضوع به خروجی کار آسیب می‌زند. بیننده بسیار فهیم است و زود این نکته را درک می‌کند در نتیجه با کار هم ارتباط برقرار نمی‌کند. بنابراین پیشنهادات من هم برای بهتر ارتباط برقرار



# چیزهایی هست که نمی‌دانی

گزارش پشت صحنه از مجموعه تلویزیونی در حال تولید «همه چیز آنجاست»

#### رکسانا قهقرایی

سریال «همه چیز آنجاست» کاری از گروه فیلم و سریال شبکه سه سیما است که به تهیه‌کنندگی داوود هاشمی، داستان خانواده‌ای قدیمی را روایت می‌کند که کارگاه تولیدی‌شان به علت ورود کالاهای خارجی به تعطیلی کشیده می‌شود. این موضوع باعث می‌شود مهدی پسر بزرگ خانواده درگیر و در رفیع مشکلات به وجود آمده به بسیاری از رازهای خانواده پی ببرد. متن این سریال توسط فیروزه قشقایی در حال نگارش است و تاکنون بیش از ۲۵ قسمت آن به پایان رسیده است. سیدمجید میرمیران و علیرضا افخمی نیز به عنوان مشاوران فیلمنامه و سریال گروه را همراهی می‌کنند.

برای تهیه گزارشی از پشت صحنه این سریال در روز کلید خوردن پروژه به اولین لوکیشن آن سری می‌زنم. خانه‌ای

قدیمی و سه طبقه واقع در خیابان ولیعصر که گویا دفتر سینمایی نیز هست. خانه‌ای با سه اتاق و شیشه‌های مشبک رنگی که پنجره‌های آن رو به فضای حیاط باز می‌شود. محسن و خانواده‌اش در قصه به طبقه همکف آن نقل مکان کرده‌اند. این نکته را از اسباب و اثاثیه و کارتن‌هایی که روی زمین به طور نامنظمی رها شده است، متوجه



می‌شوم. تعداد زیادی جعبه کفش نیز در گوشه‌ای از اتاق پذیرایی قرار دارد که احتمالاً شغل و حرفه یکی از اعضای خانواده را نشان می‌دهد. تمامی اعضای گروه از جمله محمد محسنی مدیر تصویربرداری، مرتضی اصیلان‌زاده مدیر صداپردازی، محسن دارسنج طراح گریم، مهدی بدرلو مدیر تولید، مجید موثق مدیر برنامه‌ریزی، حسین خضوعی دستیار اول کارگردان، سعید عطایی مدیر تدارکات، پریسا افخمی عکاس و بقیه عوامل در لوکیشن حضور دارند.

یکی از روزهای تعطیل و پایانی خردادماه است. در حالی که نیم ساعتی از ۱۰ صبح می‌گذرد، بازیگران گریم شده و منتظر نقش‌آفرینی مقابل دوربین هستند. شهرام شاه‌حسینی، کارگردان سریال مشغول تنظیم دکوپاژ برای شروع تصویربرداری است. او وقت و دقت زیادی را صرف این کار می‌کند. آیدین ظریف، طراح صحنه و لباس پروژه نیز نکات لازم را به دستیاران خود یادآوری می‌کند. بازیگران خانواده محوری داستان در محل تصویربرداری حضور دارند و همگی شان امروز مقابل دوربین می‌روند.

#### پربازیکرترین سریال را می‌سازم

به نظر می‌رسد در روز تصویربرداری، گروه هماهنگی خوبی با یکدیگر پیدا کرده‌اند و به گفته تهیه‌کننده، این مسأله به دلیل پیش تولید مناسبی است که قبل از شروع ساخت سریال در نظر گرفته شده است. از داوود هاشمی می‌خواهم تا پیش از ضبط اولین سکانس که تا دقایقی دیگر آغاز می‌شود، درباره شرایط تولید توضیحاتی را ارائه کند. او صحبتش را با اشاره‌هایی مختصر به قصه آغاز کرده و می‌گوید: این سریال با داستان خانواده محسن با بازی محمد عمرانی آغاز می‌شود. امین زندگانی در نقش مهدی، پسر او، حسین مهری در نقش مهران، دیگر فرزند او و حدیث میرامینی در نقش مهرنوش، دختر محسن بازی می‌کند. همچنین الهام حمیدی در این سریال بازیگر نقش پرستو همسر مهدی است و مهرانه مهین‌ترابی نقش اکرم مادر خانواده را بازی می‌کند.

وی درباره فضای کلی داستان نیز می‌گوید: سریال «همه چیز آنجاست» یک ملودرام اجتماعی است و محور آن خانواده است و ۵۰ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای دارد. این سریال پربازیکرترین سریالی است که من تاکنون تهیه‌کنندگی‌اش را به عهده داشته‌ام. در این پروژه حدود ۲۳ بازیگر اصلی و ۲۰ بازیگر مهمان نقش‌آفرینی



کردن خودم با قصه بود.

شاه حسینی با اشاره به این که «سنت» به تنهایی یکی از ویژگی‌های عمده متن «همه چیز آنجاست» است، اضافه می‌کند: هر کاری کنیم، نمی‌توانیم سنت را از قصه‌های ایرانی حذف کنیم و به هر حال این عنصر همیشه حضور دارد. ضمن این که در همه چیز آنجاست به دلیل جنس کارا کترها گاهی به عقب برمی‌گردیم و آنها را بیشتر از نزدیک می‌بینیم.

### خرده داستان‌های خانوادگی

گروه هنوز مشغول آماده کردن صحنه و قراردادن دوربین در جای مناسب برای ضبط سکانس بعدی است و این فرصت مغتنمی است تا با محمد عمرانی گپی داشته باشیم. او مثل همیشه آرام و متین است و با حوصله به همه سوالاتم پاسخ می‌دهد: من نقش محسن پدر خانواده را در این سریال بازی می‌کنم. قصه با ماجراهای این خانواده شروع می‌شود. پسر بزرگ محسن، مهدی نام دارد و بسیاری از داستان‌های کوچک و فرعی نیز توسط او در داستان اصلی وارد می‌شود. تعداد قسمت‌های این سریال زیاد است. بنابراین برای کشش قصه و ایجاد جذابیت در آن لازم است داستان‌ها و قصه‌های فرعی و حاشیه‌ای به کار اضافه شود.

مهدی و والدین او افرادی معتقد و پایبند به آداب و سنن ایرانی و مذهبی‌شان هستند. خود مهدی نیز گرچه از نسل جدید است، اما به فرهنگ و سنت‌ها علاقه زیادی دارد. ضمن این که پدر بزرگ و مادر بزرگ او نیز در قید حیات هستند و بخشی از داستان به دلیل تعامل کاراکترها با آنها، بیننده را به فضای قدیمی و نوستالژیک هم می‌برد.



اجتماعی است. به نظرم داستان به ریشه‌یابی تأثیر مسائل اجتماعی بر فضای خانواده می‌پردازد و برعکس آن را هم بررسی می‌کند. حتی بالاتر از این می‌توان به تأثیر غیرمستقیم مسائل سیاسی بر خانواده‌ها هم اشاره کرد. برای مثال اگر مشکلات اقتصادی و سیاسی ما باعث شده است که وارداتی از کشورهای دیگر داشته باشیم تأثیر آن را ناخودآگاه و به صورت غیرمستقیم بر خانواده هم شاهد هستیم. این اتفاق تولید ملی را هم تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و از طرفی بر خانواده هم تأثیر گذار است. بنابراین فضای خانوادگی یک سریال فقط این نیست که ببینیم مادرشوهر با عروس خود دچار اختلاف است.

این بازیگر با اشاره به چیدمان و طراحی روابط کاراکترها و داستان در متن این سریال تصریح می‌کند: به نظر من در داستان «همه چیز آنجاست» به روابط علت و معلولی مسائل توجه ویژه‌ای شده است و این‌طور نیست که یک اختلاف یا گره بدون توجیه در داستان مطرح شود. من وقتی متن را می‌خواندم احساس کردم که این ویژگی‌ها کاملاً در آن نمود یافته است. گذشته از این که نقش نیز برایم جذاب بود و تمایل داشتم آن را بازی کنم کلیت داستان هم برایم جالب توجه بود.

به نظر من کارهای خیابان خلوت کن، گذشته از این که باید فیلمنامه‌ای قوی داشته باشد، از شخصیت‌های متعددی هم باید برخوردار باشد، ضمن این که کاراکترها و قصه‌ها محدود نباشند. این نوع آثار نیاز به داستان‌های فرعی جذاب و تازه دارد که به نظرم در این سریال رعایت شده است. شخصیت‌های فرعی زیادی بتدریج وارد قصه می‌شوند. همین‌طور داشتن ترکیب بازیگران خوب و توانمند در یک سریال بسیار مهم است زیرا باعث می‌شود تا بیننده کار را در شب‌های متوالی دنبال کند. گره‌ها و تعلیق و کشمکش‌های قصه، سریال را از حالت یکنواختی خارج می‌کند و وقتی بیننده چند قسمت را از دست می‌دهد در واقع داستان‌های زیادی را از دست داده است.

او در باره ویژگی دیگر متن نیز می‌گوید: نزدیکی داستان‌ها به زندگی مردم بسیار اهمیت دارد، وقتی آنها



خودشان، زندگی‌شان و مسائل‌شان را در یک سریال می‌بینند، جذب کار می‌شوند، زیرا احساس می‌کنند فقط آنها نیستند که با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند. بنابراین صبورانه‌تر با مشکل خود برخورد و انگیزه پیدا می‌کنند برای رفع آن تلاش کنند.

### هنر یک مقوله تشریفاتی نیست

امین زندگانی از جمله بازیگران حاضر در لوکیشن است که با وجود رفت و آمدهای بسیار در محل مصاحبه و فضای پرهمهمه و شلوغی آنجا پاسخ سوالات ما را می‌دهد.

او درباره نقش خود در این سریال می‌گوید: من نقش پسر خانواده را در این سریال بازی می‌کنم؛ مردی که تازه قرار است به دهه چهارم زندگی‌اش ورود پیدا کند، دارای دغدغه‌ها و ایده‌آل‌هایی است که با سرعت زندگی امروزی دیگر تبدیل به یک آرزو و رویا شده است، اما در همین مسیر در حال حرکت است و در جریان آن هم با اتفاقات و ماجراهایی روبه‌رو می‌شود که بعدها در سریال خواهیم دید.

او درباره فضای کلی داستان سریال هم می‌گوید: به نظر من سادگی هر داستان می‌تواند دلیلی بر نقطه قوت آن باشد زیرا سادگی یک داستان از اوج پختگی اندیشه و تفکر نویسنده‌اش برمی‌آید. ممکن است قصه ساده به نظر برسد، اما دغدغه‌هایی که هر یک از کاراکترها در متن داستان دارند، می‌تواند بین مردم عمومیت داشته باشد و طیف گسترده‌ای از آنها را تحت پوشش قرار دهد. فکر می‌کنم با توجه به المان‌های مختلف این اثر و گروه بازیگران و همین‌طور تیم پشت دوربین، همگی بر این باور هستند که ماحصل و نتیجه کار، سریالی خوب و پرمخاطب است. من فکر می‌کنم جزئیات هم به خوبی در داستان برای نقش‌ها در نظر گرفته شده و نقش مهدی هم به اندازه خود دارای هویت است.

### در جستجوی آرزوهای از دست رفته

پس از پایان صحبت‌هایم با امین زندگانی به سراغ حسین مهری می‌روم که در گوشه‌ای از حیاط دیالوگ‌های خود را مرور می‌کند. او بازیگر نقش مهران در این سریال است. مهری درباره این که مهران را

می‌توان متعلق به کدامیک از گروه نقش‌های مثبت یا منفی دانست، می‌گوید: به نظرم نباید هیچ وقت نسبت به بازیگری دسته‌بندی‌هایی اینچنینی داشته باشیم. این که عده‌ای می‌گویند فلان بازیگر تکنیکی است یا حسی، غلط است یا برای مثال می‌گویند بازیگر سینما یا تلویزیون هم نادرست به نظر می‌رسد. بازیگری تعریفی فراتر از این چیزها دارد. این اتفاق درباره منفی یا مثبت خطاب کردن یک کاراکتر هم حاکم است. یک شخصیت می‌تواند برای عده‌ای مثبت و برای عده‌ای دیگر منفی به نظر برسد.

وی درباره مشخصه‌های متن سریال هم توضیح می‌دهد: قصه این سریال بسیار روان است و جزو معدود داستان‌هایی با این ویژگی است. دیالوگ‌ها بشدت رئال و واقعی به نظر می‌رسد. ما در بعضی مقاطع داستان به جزئیات زندگی مهران و روحیات او ورود پیدا می‌کنیم.

او چند دغدغه اساسی دارد: یک سری کارهایی است که باید انجام دهد، آرزوهایی را برای خود متصور می‌داند و برای رسیدن به آنها تلاش می‌کند. بلندپروازی‌هایی هم در سر دارد و همه اینها در ترکیب با هم برای مهران در نظر گرفته شده است. حال این که چقدر در مسیر زندگی‌اش دچار اشتباه می‌شود و چه بخش‌هایی از کارهایش درست است در طول قصه برای مخاطب جا می‌افتد و آنها می‌توانند خود قضاوت کنند.

قصه این سریال اجتماعی است، اما خانواده نقشی اساسی در آن دارد. حسین مهری اضافه می‌کند: متأسفانه جامعه ما این روزها به سمتی حرکت می‌کند که خانواده محوری و اهمیت خود را رفته رفته از دست می‌دهد.

این یکی از دغدغه‌های خود من نیز هست. انگار آدم‌ها دیگر سر جای خود قرار ندارند و گاهی احترام‌ها زیر پا گذاشته می‌شود و خانواده در زندگی آدم‌ها کم‌رنگ‌تر شده است. این سریال اما بر بنیان خانواده تأکید دارد که به نظر من اتفاق بسیار مثبت و مهمی است. مهران جزو آدم‌های به اصطلاح باحال جامعه است. بر شغل او تأکید خاصی صورت نمی‌گیرد، اما اگر بخواهیم قصه «همه چیز آنجاست» را به لحاظ اقتصادی بررسی کنیم می‌توان گفت به بحث تولید داخلی هم پرداخته است.

بازیگر سریال «تا ثریا» در پاسخ به این که تعدد قسمت‌های این کار به جذب مخاطبان کمک خواهد کرد یا نه، این‌گونه پاسخ می‌دهد: اگر جریان سریال سازی روز بویژه در رابطه با آثار خارجی را در نظر بگیریم متوجه می‌شوید که سریال‌هایی با استقبال زیاد مواجه می‌شوند که تعداد قسمت‌های بسیار زیادی دارند و حتی می‌بینیم که تماشاگر بعد از گذشت ۳۰ یا ۴۰ قسمت کم‌کم با کاراکترها ارتباط برقرار می‌کند و داستان برایش جذاب و دنبال کردنی می‌شود.

وی این اتفاق را حاکم بر قصه‌های ایرانی هم دانسته و می‌گوید: به نظر من همه چیز آنجاست هم در زمینه متن قابلیت‌های اینچنینی دارد، اما زود است بخواهیم در این باره به طور قطعی نظر بدهیم. زیرا تصویربرداری کار بتازگی شروع شده است و باید تا پایان منتظر ماند.

حالا ضبط سکانس بعدی شروع می‌شود. در این سکانس مهران روی تخت دراز کشیده است. اکرم بالای سر او می‌آید و بیدارش می‌کند. عصبانی است و از اتاق خارج می‌شود. محسن به دنبال او می‌دود. دوربین حرکت وی را دنبال می‌کند.

همراهی چند ساعته‌ام با گروه تولید و بازیگران این سریال همین‌جا به پایان می‌رسد. به قول حسین مهری باید منتظر ماند و خروجی سریال را در زمستانی سرد با چاشنی قصه‌های گرم خانوادگی و اجتماعی نظاره‌گر شد.



درباره مستند تکان دهنده «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه»

# داستان چهار دهه فریب

بهرنگ ملک محمدی

سازمان منافقین یکی از مخوفترین سازمان‌های تروریستی تاریخ ایران است. مستند «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» به کارگردانی مرتضی پایه‌شناس، می‌تواند تصویر روشنی از وضع فعلی این سازمان به دست دهد. داستان این مستند تکان دهنده درباره زندگی خانوادگی یکی از هواداران سازمان به نام مصطفی محمدی است؛ کسی که به خاطر القائات او، فرزندش سمیه نیز به سازمان منافقین می‌پیوندد. مدتی بعد محمد پسرش نیز برای اطلاع از وضع خواهر و بازگرداندن او به اشرف می‌رود و او هم بازمی‌گردد.

از سوی دیگر پدر خانواده که در مقطعی حاضر به خودسوزی مقابل سفارت فرانسه در کانادا می‌شود، متوجه می‌شود که در حقیقت فرزندانش در اردوگاه اشرف زندانی شده‌اند. این آغاز تحول فکری و ایدئولوژیک این فرد و خانواده‌اش است. او در جریان تحقیقات و پیگیری‌هایش به نکات تلخی پی می‌برد. این که تعداد زیادی از افراد حاضر در اردوگاه جوانانی جویای کار هستند که هیچ اعتقاد درونی و قلبی به سازمان ندارند.

مصطفی محمدی پدر سمیه به دلیل فعالیت‌های مثبتی که از نظر سازمان داشته موفق می‌شود با دختر و پسرش دیدار کند و آنجاست که متوجه اتفاقی هولناک می‌شود؛ در آنجا به پسرش تجاوز شده است و همین دلیل می‌شود تا پسرش را از اردوگاه اشرف خارج کند اما سمیه کماکان در اشرف می‌ماند.

اهمیت فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه و نگاه



هوشمندانه سازنده‌اش در نکات زیر است:

اول: نشان دادن مناسبات درونی سازمان و شیوه‌های اغفال جوانان جویای کار به بهانه مهاجرت به کشورهای اروپایی.

دوم: نشان دادن تصاویری مستند از درون اردوگاه اشرف در زمان حضور منافقین در این قرارگاه.

مسئله جذب نیرو برای سازمان به شیوه سال‌های دهه

دو راهی دستگیری توسط پلیس عراق یا حضور در اشرف قرار می‌دهد. علاوه بر این، این مستند بخوبی به موضوع شست‌وشوی مغزی و قطع ارتباط اعضا با جهان خارج می‌پردازد. مثلاً در صحنه‌های پایانی سمیه براحته رو در روی پدر، عقاید او را احمقانه و نادرست می‌خواند و حتی حاضر به شنیدن صحبت‌های پدرش نیست. یکی از جذابیت‌های این مستند شاید به شخصیت درونی پدر خانواده یعنی مصطفی محمدی برمی‌گردد. او فردی است که به‌طور غریزی همانند یک مستندساز در تمام سال‌های گذشته با یک دوربین هندی کم از تمام رویدادها فیلم گرفته است. این فیلم‌ها در آن سال‌ها صرفاً فیلم‌هایی خانوادگی بوده که تنها برای چند نفر ارزش داشته است اما یکباره با اسیر شدن سمیه و محمد در قرارگاه حکم اسنادی تاریخی از جنایات سازمان منافقین را پیدا کرده است.

مصطفی محمدی با هوشمندی در صحنه‌ای که از پلیس عراق روبه‌روی قرارگاه اشرف کتک می‌خورد، رو به دوربین می‌گوید این را برای تاریخ نشان می‌دهم تا دخترم بداند برای او چه کرده‌ام.

پدری که خود مقصر و مسبب جذب فرزندانش است زمانی که متوجه ماهیت این سازمان می‌شود سعی می‌کند

با ثبت وقایع و نمایش آن به تمام خانواده‌های درگیر این سازمان کمک کند. یادآوری این نکته ضروری است

که ساخت آثار پرارزش همچون این مستند، احتیاج فراوانی به نگاه وسیع و شجاعانه مدیران فرهنگی دارد؛ چراکه با نشان دادن تصاویری تلخ و دردناک می‌توان جلوی فاجعه‌ای بزرگ را گرفت. به نظر می‌رسد این مستند بخوبی توانست زوایای ناپیدا و کمتر گفته شده یکی از مخوفترین فرقه‌های تروریستی جهان را به بهترین شکل به نمایش بگذارد.



۵۰ یا ۶۰ اکنون امکان پذیر نیست و این سازمان به روش‌های جدیدی روآورده است؛ یکی از این روش‌ها فریب افراد

و ورود آنها به خاک عراق است. پس از این مرحله سازمان در اقدامی ناجوانمردانه فرد مورد نظر را بر سر

## تجلی شهر در تلویزیون

شهر وملاقات با اهالی و کسبه محل، تصویر واقعی و عمیق‌تری از شهر ارائه می‌کند که همراهی و همدلی مخاطب را در پی دارد.

این برنامه می‌تواند درباره شهرهای مختلف ایران تسری یافته و دامنه وسیع‌تری به خود بگیرد. سوژه‌های جذاب فراوانی در سطح شهر نهفته است که اگر نگاه تیزبین و ذهن هوشمندانه‌ای در کار باشد، می‌توان سالانه شاهد تولید و پخش برنامه‌های متعددی در تلویزیون بود که با محوریت شهر و زندگی شهری ساخته می‌شوند و سیمای جامع‌تری از شهر را در تلویزیون به تصویر می‌کشند. به نظر می‌رسد باید به نوعی از برنامه‌سازی که ما را بیشتر با محیط اطرافمان آشنا می‌کند، بها داد، بخصوص که این نوع از برنامه‌سازی می‌تواند اطلاعات جامع و مفیدی از اطراف به ما بدهد. گاهی اوقات، جذاب‌ترین آدم‌ها و محلات در نزدیکی ما وجود دارند، اما به خاطر اطلاع نداشتن از وجود چنین مکان‌هایی کمتر به آنها پرداخته‌ایم. درواقع در پرداختن به موضوعات شهری از همه مهم‌تر اصل سوژه‌یابی است. هرچه این سوژه بکر و ناشناخته‌تر باشد، می‌تواند برای مخاطب جذاب‌تر باشد.

اختصاصی‌تر مثل برنامه «محل ما» به شکل آگاهانه و ارادی و به قصد معرفی و شناسایی شهر ساخته می‌شوند که به صورت مستقیم و محققانه به شناسایی و بازنمایی شهر پرداخته و اهدافی دیگر را دنبال نمی‌کنند. اما واقعیت این است که تعداد و حجم این گونه برنامه‌ها در تلویزیون ما خیلی کم است، یا فاقد جذابیت‌های دراماتیکی و سرگرم‌کننده است، اما برنامه محل ما واجد برخی خصلت‌های رسانه‌ای است که به شکلی عمیق و عینی‌تر، شهر و مسائل آن را به تصویر می‌کشد و تاریخ و هویت مناطق مختلف شهری را به نمایش می‌گذارد، اما این برنامه به تنهایی نمی‌تواند تصویر شهر و مسائل و چالش‌های آن را به نمایش بگذارد و به همه نیازهای مخاطب در ارتباط با شهرشان پاسخ دهد.

ضعف عمده مستندهای تلویزیونی در ارتباط با شهر و شهرنشینی وجوه علمی و خشک بودن آن است که موجب عدم جذب برخی مخاطبان یا ریزش آنها می‌شود. در حالی که اگر قرار است یک برنامه تلویزیونی به مسائل شهر و شهرنشینی بپردازد، باید به وجوه سرگرم‌کنندگی و جذابیت‌های رسانه‌ای نمایش آن هم توجه کند.

برنامه محل ما که از شبکه تهران پخش می‌شود و به معرفی محله‌های قدیمی می‌پردازد، این امتیاز را دارد که در عین اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به مخاطب از قدرت سرگرم‌کنندگی هم برخوردار بوده و با گفتار متنی که منوچهر والی‌زاده آن را خودمانی و صمیمانه می‌خواند به ارتباط بیشتر و همدلانه مخاطب با این برنامه دامن می‌زند، ضمن این که با رفتن به کوچه پس کوچه‌های

تلویزیونی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در دومی خود به سوژه اصلی بدل می‌شود. در این بخش نیز باز می‌توان آیت‌های دیگری را اضافه کرد. به این معنی که بخشی از تصویر شهر از طریق برنامه‌های خبری یا گزارش‌های خبری بازنمایی می‌شود که بویژه در اخبار استانی و شهری که به مسائل و مشکلات جامعه شهری می‌پردازد، قابل ردیابی است و دوم برنامه‌هایی که به شهر و مسائل آن می‌پردازد.

این مساله بویژه در ارتباط با کلانشهرهایی مثل تهران مصداق بیشتری داشته و تعمیم‌پذیرتر است. مثلاً اگر همین تهران را به عنوان یک کلانشهر و پایتخت در نظر بگیریم، بخشی از تصویر تهران در قالب اخبار این شهر مثل برنامه تهران بیست، در شهر و به طور کلی اخبار استان تهران بازنمایی می‌شود و بخشی دیگر که عمق و کارکرد شناختی بیشتری دارد به مستندهای شهری ارتباط می‌یابد که این شهر را در جنبه‌ها و ساحت‌های گوناگون بررسی می‌کند.

البته برنامه‌هایی مثل «تهران بیست» یا «در شهر» هم سوژه مستندگونه دارد و تصاویر خیالی، گرافیکی و مونتاژ شده از شهر را روایت نمی‌کند، اما برخی از برنامه‌های

شاید در تماشای یک فیلم یا سریال به پس‌زمینه شهر در دل درام توجه نکنیم، اما وقتی آثاری از دو سه دهه پیش را در قالب مستند یا فیلم و سریال داستانی می‌بینیم به واسطه تفاوت‌هایی که به چشم می‌آید شهر و مختصات و مناسباتش در آن دوره برجسته شده و از حاشیه به متن می‌آید. لذا امروز با حاکمیت تصویر در زیست جهان آدمی شاید هیچ ابزاری بهتر از فیلم و سریال برای شهرشناسی و بازخوانی تاریخ شهر مناسب نباشد.

اما واقعا آثار سینمایی یا تلویزیونی ما تا چه حد بازتاب‌دهنده تصویر شهر است و می‌تواند مدرکی معتبر برای شناخت شهر در سال‌های بعد باشد.

شاید شهر در یک فیلم سینمایی فقط به عنوان یک عنصر نمایشی و مولفه دراماتیک مورد استفاده قرار گرفته و شناخته شود، اما در تلویزیون می‌توان شهر را به عنوان یک موضوع واحد و اصلی که درونمایه و مضمون محوری یک برنامه را تشکیل می‌دهد، شناخت.

به عبارت دیگر برنامه‌های تلویزیونی در ارتباط با شهر به دو گروه عمده داستانی و مستند تقسیم می‌شود که در اولی شهر به عنوان یک عنصر نمایشی در ساخت سریال‌ها یا فیلم‌های





با مرتضی پایه‌شناس؛ کارگردان مستند «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه»

# تو خالی بودن ویتترین منافقین

سپهلا قوسی

نحوه آشنایی شما با مصطفی محمدی سوژه اصلی این مستند کجا و از چه طریقی بود؟  
در خلال سال‌های ۸۷ و ۸۸ بود که ما مشغول ساخت مستندی در ارتباط با گروهک منافقین بودیم، با عنوان پشت دیوار اشرف. در مسیر تولید این اثر از طریق فضای مجازی و سپس مستقیم با مصطفی محمدی آشنا شدم، با این که فیلم سفارش تهیه‌کننده بود، شخصا نیز دغدغه‌ای جدی نسبت به فعالیت‌های این سازمان داشتم و معتقدم نسل من سوال‌های بسیاری در ارتباط با عملکرد این گروهک طی این سال‌ها داشته‌اند و چه بسا حتی برخی نیز ممکن است در کل، شناختی از فضای این سازمان نداشته باشند.

پس از آشنایی بیشتر با او به این نتیجه رسیدم که مسیر زندگی محمدی طی ۱۵ سال گذشته ظرفیت ساخت یک اثر مجزا و متفاوت در خصوص این گروهک را دارد و از همانجا جرقه تولید این فیلم به شکل جدی زده شد.

نوع برخورد مصطفی محمدی با این مقوله بعد از مطرح کردن پیشنهاد ساخت یک اثر مستند چگونه بود؟

از دید رهبران گروهک منافقین، مخالفان از دو شکل

«فیلم‌های خانوادگی فیلم‌های عجیبی هستند. می‌شود دسته‌جمعی روبه‌رویشان نشست و در عرض چند ساعت تمام یک زندگی را مرور کرد؛ گاهی با دور آهسته، گاهی هم با دور تند. فیلم‌های خانوادگی چیزهای باارزشی هستند. هر چه از عمرشان می‌گذرد با ارزش‌تر هم می‌شوند؛ بخصوص برای آدم‌هایی که سرگذشت عجیبی مثل ما داشته باشند.»  
اینها جملاتی است که مرتضی پایه‌شناس کارگردان فیلم تکان‌دهنده «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» در تعریف مضمون اثر خود می‌گوید. در گفت‌وگویی اجمالی با او پس از پخش این فیلم از تلویزیون و استقبال گسترده مخاطبان، روند شکل‌گیری این مستند را از ایده تا اجرا بررسی کردیم.

بهانه‌ای برای این گونه نسبت دادن‌ها نداشته باشد که خوشبختانه به مرور این اعتمادسازی انجام شد و هر دو به اشتراک رسیدیم و تولید فیلم شکل گرفت.  
شاکله اصلی فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه، فیلم‌های خانوادگی است، چگونه به این شیوه روایی جدید رسیدید؟  
در روند آشنایی با پدر سمیه متوجه شدم او فیلم‌های متعددی از مقاطع مختلف زندگی خود و خانواده‌اش تهیه کرده و حتی از مسیری که سمیه از کانادا تا آخرین دیدار پدر با او در اردوگاه اشرف پیموه است، تصاویر متعدد و ناب وجود دارد. البته بخشی از این تصاویر روی اینترنت قرار گرفته بود و من مطمئن بودم تعداد این فیلم‌ها خیلی بیشتر است در نتیجه در

مخاطب است و از این که می‌بینم مخاطبان از طیف‌های مختلف زبان کار را فهمیده‌اند، خوشحالم زیرا مخاطب در برخورد با چنین موضوعی قطعاً با یک قضاوت اولیه به دیدن کار می‌نشیند، اما با دیدن اثر تمام معادلاتش به هم می‌ریزد و درمی‌یابد با اثری متفاوت مواجه است. من در رسیدن به این نقطه، پروسه سخت و پیچیده‌ای را طی کردم، زیرا فیلم‌های خانوادگی واقعیت محض هستند و برای فیلم ساخته نشده‌اند همه چیز صادقانه است، اما در عین حال نحوه استفاده از این تصاویر بسیار مهم و کلیدی است.

من به فضای ذهنی مصطفی محمدی رسیده بودم و همین امر کمک می‌کرد تا بتوانم تصاویر را به گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار دهم تا شکل روایت‌گونه به خود



بگیرد. وقتی پدر سمیه برای اولین بار نسخه‌ای از فیلم را دید حیرت‌زده شد و گفت تصور نمی‌کنم هیچ مستندسازی تا این حد به ضمیر ناخودآگاه سوژه خود نزدیک شود و تو با موفقیت این مرحله را طی کردی. از سوی دیگر پاسخ‌همه منتقدان حرفه‌ای‌ام این است که طی شکل‌گیری این اثر تلاش‌م این بوده است که فیلمساز در فیلم دیده نشود و مخاطب تصور کند یک فرد آماتور با دو دوربین ویدئو به سمت سوژه رفته است، مهم این است که این پازل تصاویر بدرستی کامل شود و همین برای من کافی بود.

شما با یک شیوه روایت متفاوت سراغ این سوژه رفتید. شیوه شما ایجاب می‌کرد از میزبانی‌های بسیاری عبور کنید، در عین این که می‌دانستید کار برای تلویزیون است و امکان دارد بخش‌های عمده‌ای از فیلم به دلیل مسائلی مانند حجاب یا برخی جملاتی که

جریان مذاکرات با محمدی او پذیرفت نسخه کاملی از این تصاویر را در اختیارم قرار دهد و بعد از مشاهده چند باره این فیلم‌ها به یقین رسیدم تنها زبان گویا و تأثیرگذار این فیلم‌ها و برای کلیشه‌سازی‌های رایج در آثار مستند، همین فیلم‌ها هستند و کار به همین شکل آغاز شد و به پیش رفت.

برخورد همکاران حرفه‌ای‌تان با این مساله چگونه بوده است؟

متأسفانه عموماً عنوان شده و می‌شود که این فیلم کارگردانی ندارد چون بخش عمده آن تصاویر از پیش ضبط شده است آن هم با کیفیت‌های نه‌چندان مطلوب، این برخورد در عین این که باعث ناراحتی‌ام شده است. اما از سوی دیگر به دلیل این که معتقدم کارم را درست انجام داده‌ام خشوندم نیز هستم، زیرا وظیفه مستندساز نزدیک شدن به جهان موضوع، سوژه‌یابی و توجه به

در فیلم ادا می‌شود پخش نشود. در مورد این فرآیند قدری توضیح دهید.

در ابتدا سیمافیلیم سفارشی را با تهیه‌کننده کار (محمد شکیبانیان) مطرح کرد با ماهیت گروهک منافقین، با عنوان اردوگاه اشرف، اما در طول مسیر و پس از اتفاقاتی که ذکر کردم فضا کاملاً تغییر کرد و به فیلم دیگری تبدیل شد، حتی وقتی تهیه‌کننده بخش‌هایی از کار جدید را دید، عنوان کرد بعید است این تصاویر پخش شود. من گفتم از چند حالت خارج نیست؛ با مدیران تلویزیون به ذهنیت ما نزدیک می‌شوند و همین کار را می‌پذیرند یا اصلاحاتی به فیلم وارد می‌کنند که اگر اصلاحات اندک باشد، ما این تغییرات را اعمال می‌کنیم و اگر خیلی کلی بود در آن زمان تغییر مسیر داده و فیلم دیگری می‌سازیم که خوشبختانه با سه‌صدا با این مساله برخورد شد و فیلم بدون حذف حتی یک پلان از شبکه‌های مختلف سیما پخش شد.

تدوین کار به چه شکل بود؟

تدوین «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» بسیار دشوار بود. من بارها و بارها فیلم را تدوین کردم. شاید باورش کمی سخت باشد، اما هر روز ۶ صبح وارد دفتر می‌شدم و ۱۱ شب خارج می‌شدم و از تهیه‌کننده و تلویزیون خواسته بودم تا یک سال هیچ نسخه‌ای از من نخواهند که خوشبختانه پذیرفتند و وقتی بعد از یک سال اولین اتوهای کار را دیدند، با رضایتمندی خواستند همین مسیر را ادامه دهم.

چقدر به دیده شدن کار در آن سوی مرزها فکر می‌کردید؟

اتفاقاً یکی از اهداف اصلی‌ام همین بود. ببینید گروهک منافقین توانی برای تبلیغات در ایران ندارد، به همین دلیل تمام نیروی خود را برای تبلیغ در خارج از کشور متمرکز کرده است و با شعارهای زیبا بعضاً توانسته برخی جوانان را هم جذب کند؛ به عبارت دیگر یک ویتترین زیبا اما توخالی. قصد من این بود که توخالی بودن این ویتترین را به تصویر بکشم، به همین دلیل شاید خیلی هم به خطوط قرمز توجه نمی‌کردم.

با توجه به موفقیت «فیلم ناتمامی برای دخترم سمیه» که حتی اظهار نظر رسانه‌های غربی نیز نشان می‌دهد در کشورهای دیگر نیز دیده شده است تمایلی به ادامه این مسیر و ساخت آثار بیشتری درباره گروهک منافقین دارید؟

این گروهک از ابتدای شکل‌گیری‌اش در دهه ۴۰ تاکنون یعنی حدود ۵۰ سال آپستن حوادث بسیار بوده است و آن قدر زوایای مبهم و تاریک دارد که ساخت صدها فیلم درباره آن نیز نمی‌تواند تمام ماهیت آن را در خلال این سال‌ها تشریح کند، من در حدود ۱۲ سال یعنی از زمان اشغال عراق توسط آمریکا روی این مساله تحقیق می‌کنم که نشانگر علاقه من به این موضوع است، اما ساخت فیلم‌های بعدی در این رابطه بستگی به شرایط دارد.

از سرنوشت سمیه اطلاعی دارید؟

از آنجا که خانواده محمدی امروز مرا عضوی از خانواده خود می‌دانند، همین قدر می‌دانم که در لیبرتی است، اما این که آیا واقعا تمایلی به بازگشت دارد یا مقهور شرایط است به قدری پیچیده است که کسی نمی‌داند کما این که مخاطب از طریق همین فیلم‌ها پی به استیصال او می‌برد و از آن بیشتر حال و روز پدری را می‌بیند که حضور دخترش در بین این افراد آن هم با اتفاقی که برای پسرش افتاده (تجاوز جنسی) و ماجرای حیرت‌انگیز رقص رهایی، دغدغه‌هایش را دو صد چندان می‌کند. من تلاش کردم در این فیلم با نگاهی انسانی، تبعات منفی فرقه‌گرایی‌های منحط را در فروپاشی بنیان خانواده و افسردگی و استیصال افراد به تصویر کشم.



## شوخی با «حیات وحش»

«حیات وحش» نام مجموعه‌ای طنز است که به کارگردانی علی درخسی و تهیه‌کنندگی محمد ابوالحسنی در شرکت «نسل اندیشه سبز» تولید شده و در برنامه شما و آی فیلم از شبکه آی فیلم به نمایش در آمده است.

علی درخسی سال ۱۳۵۵ در تهران متولد شده است و «شهر سالم» یا همان «اژدر آقا و قند عسل» و مجموعه کارتون «آقا معلم و بچه‌ها» از معروف‌ترین آثار انیمیشنی علی درخسی هستند.

حیات وحش، انیمیشنی است که مدت‌ها در فضای اینترنتی مطرح بود و در نهایت نیز از رسانه ملی پخش شد. درخسی معمولاً طراحی شخصیت، تدوین و نویسندگی آثاری را که خودش کارگردانی می‌کند، بر عهده دارد. سبک کاری علی درخسی شدیداً متأثر از جواد علیزاده است چنان که او در مصاحبه‌ای با مجله طنز و کاریکاتور گفته بود در دوره‌ای چنان مجذوب این سبک شده بوده که سبک‌های کاریکاتور را به دو سبک جواد و غیر جواد برای خودش تقسیم‌بندی کرده است.

این سبک بصری را در انیمیشن «کاراکتر انیمیشن» یا «انیمیشن شخصیت‌پردازانه» می‌نامند که در آن تمرکز اثر روی شخصیت‌های کارتون بدون توجه و پرداختن به زمینه‌ها و دیگر فضاهای مربوط به یک انیمیشن است. سادگی این سبک موجب می‌شود تا سریع با مخاطب عام ارتباط برقرار کند و البته تولید آن نیز آسان باشد؛ گرچه این سبک نیاز به ایده‌های قوی و مؤثر دارد تا بتواند در عین سادگی، مخاطب را جذب کند ولی معمولاً هنرمندان کاریکاتوریست به آن تمایل بیشتری دارند.

مجموعه انیمیشن حیات وحش قرار بود در ۵۲ قسمت تولید شود؛ اما به دلیل مشکلاتی که در روند تولید پیش آمد، تا قسمت ۱۷ بیشتر ساخته نشد.



این کار به شیوه دو بعدی با طراحی‌های ساده و جذاب کار شده است. داستان‌های این مجموعه، ماجراهای فانتزی و خنده‌داری به سبک مستندهایی از حیوانات مثل راز بقا و در هر قسمت زندگی یک گونه از حیوانات مثلاً بزهای کوهی، سوسمارها، گورخرها، عقاب‌ها و گرگ‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد و به شیوه طنز آمیزی به مشکلات آنها و نحوه زندگی‌شان که گهگاه بی‌شبهت به دنیای آدم‌ها نیست، می‌پردازند. پس از دیدن بزهای کوهی در سالن مد یا شیوه خواستگاری آنها اصلاً تعجب نکنید یا اگر دلایل انقراض دایناسورها و علت بی‌خاصیتی شتر مرغ‌ها یا دلیل راه راه بودن گورخرها را نمی‌دانید، حتماً دیدن این قسمت‌ها را از دست ندهید.

در پانزدهمین «جشن مستقل انیمیشن خانه سینما» یک قسمت از این مجموعه به نام «یالاگوس، جزیره در حال انقراض برنده تندیس شایستگی و دیپلم افتخار بهترین فیلم انیمیشن و بهترین طراحی صدا شد. علاوه بر این، این کار در بخش‌های بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه، بهترین لی اوت و فضا سازی انیمیشن نیز نامزد دریافت جایزه بوده است.

حیات وحش در جشنواره انیمک چین برنده جایزه هیأت داوران و در هفتمین جشنواره پویانمایی تهران عنوان بهترین مجموعه تلویزیونی را به خود اختصاص داد.

## درباره یکی از انیمیشن‌های محبوب بچه‌ها

## گر به‌ای به نام «اوگی»



پریسا کاشانیان

منتشر شد. در سال ۲۰۰۹ دو شماره مجله با نام «اوگی و سوسک‌ها» و در سال ۲۰۱۱ نیز یک شماره دیگر منتشر شد.

در سال ۲۰۱۳ نیز یک فیلم سینمایی به همین نام بر پرده سینماهای فرانسه رفت که مدت زمان آن ۸۰ دقیقه بود و جدال پایان‌ناپذیر «اوگی و سوسک‌ها» را در چهار دوران مختلف تاریخی ماقبل تاریخ، قرون وسطی در انگلستان، دوران ویکتوریا و دوران آینده در جنگ ستارگان را به تصویر می‌کشد.

تعدادی بازی آنلاین «اوگی و سوسک‌ها» روی سایت‌های مختلفی مثل کارتون نتورک سایت دیزنی، آسیا و سایت گیم اوگی و سوسک‌ها وجود دارد و چند بازی هم برای موبایل طراحی شده است. داستان‌های این مجموعه درباره اوگی، گر به‌ای آبی رنگ، راحت‌طلب، تنبل و چاق است؛ او معمولاً اوقاتش را با تماشای تلویزیون و آشپزی سپری می‌کند البته اگر سه سوسک مزاحم، جویی، دی‌دی و مارکی (نام آنها از اعضای گروه پانک «ریمونز» گرفته شده است)، راحتش بگذارند.

به نظر می‌رسد این سه مزاحم، از این که اوگی را اذیت کنند، لذت می‌برند. آزار سوسک‌ها از دزدی از یخچال تا دزدیدن قطاری که اوگی با آن به مسافرت می‌رود، متغیر است.

سبک این کارتون متکی بر شوخی‌های بزن و بکوب، همانند زوج معروف «تام و جری» می‌باشد، تنها درجه خشونت شوخی‌ها بالاتر رفته است؛ در کارتون‌های



قبلی، دو طرف ترجیح می‌دادند اجسامی مثل سندان و پیانو بر روی هم بیندازند، اما در این برنامه گاهی اوقات کار به اتوبوس یا زیردریایی نیز می‌کشد. به غیر از موارد فوق، شوخی‌ها برای تماشای کودک نیز قابل درک و لذتبخش است و البته نمی‌توان پایان کارتون را حدس زد و دیگر این که نمی‌شود همیشه منتظر پایان خنده‌دار بود. تمام صداهای برنامه توسط «مارک دو پونتوویس»، صدایشکی شده است، اما هیچ گفتاری به گوش نمی‌رسد. در نسخه آلمانی، اشعار خنده‌داری مرتبط با اکشن تصاویر توسط «درک باخ» بازیگر، بدون حذف صدای اصلی خوانده می‌شود. در ایران هم ترانه‌ای برای تیتراژ فیلم ساخته شده است که تکیه کلام آن «اوگی و دوستای فرزند و شیطونش» است.

## شخصیت‌های این مجموعه

**اوگی:** یک گر به آبی رنگ چاق و تنبل است و همان‌طور که قبلاً گفتیم مواقعی که در تعقیب سوسک‌ها نیست، عاشق دیدن تلویزیون و انجام کارهای خانه است. با وجود مزاحمت‌های دائم که سوسک‌ها برایش ایجاد می‌کنند، او نسبت به آنها احساس دوگانه دوستی تنفر دارد؛ چراکه هر وقت که خودش را در خانه تنها می‌بیند، دلش برای سوسک‌ها تنگ می‌شود. اوگی اجباراً به این باور رسیده است که بدون سوسک‌ها هیچ‌گونه تفریح و هیجانی از زندگی‌اش اتفاق نمی‌افتد.

**جویی:** یک سوسک با بدن صورتی و سر بنفش است که هر کدام از چشم‌هایش یک رنگ است. او رهبر خودشیفته سوسک‌هاست. با وجود آن که از لحاظ جنت از همه کوچک‌تر است، اغلب نقشه‌های خرابکاری از فکر او نشأت گرفته است گرچه بعضی مواقع مجبور است تنهایی جلو برود چون دوستانش نقشه‌های او را احماقانه می‌دانند.

**مارکی:** یک سوسک غمگین مؤدب کله سبز با چشم‌های صورتی است. او قد بلندترین عضو گروه است و معمولاً اهمیتی نمی‌دهد که آن دو تایی دیگر چه می‌کنند؛ البته او هم مثل آنها عاشق خرابکاری است و از آزار دادن اوگی لذت می‌برد. او عاشق کتاب خواندن و قرار گذاشتن با عروسک‌هاست.

**دی‌دی:** او سوسک کله نارنجی با بدن بنفش است که همیشه گرسنه است و اشتهاها واقعاً باورنکردنی دارد و تقریباً می‌تواند هر چیزی را بخورد. او عاشق اوپر است.

**جک:** پسر عموی اوگی است و روحیه‌ای کاملاً متفاوت با اوگی دارد. او کم‌تحمّل، خشن و خودخواه است که هدف مناسبی برای آزار و اذیت سوسک‌هاست. جک معمولاً در حال ساخت ماشین‌آلات بزرگ مثل دستگاه سوسک‌گیر است. علاوه بر این به علم شیمی مخصوصاً بخش‌های انفجاری آن علاقه‌مند است. او اغلب در خانه اوگی می‌خوابد و به او زور می‌گوید. او عاشق خوندنمایی و مبارزه با سوسک‌هاست.

**باب:** یک بولداگ قهوه‌ای و همسایه اوگی است. او در کنترل عصیانیتش مشکل دارد و کارهایی که اوگی و جک می‌کنند اغلب به بر خورد باب یا تراشیدن پشم‌های او یا خراب شدن خانه‌اش منجر می‌شود و باب خارج از صحنه به خدمت اوگی یا جک می‌رسد. او عاشق بوکس بازی است.

**مونیکا:** خواهر دوقلوی اوگی است. او عاشق اسکیت سواری است.

**اولیویا:** گر به ماده همسایه اوگی که عاشق طبیعت و حتی سوسک‌های مردم آزار اوگی است و هر وقت او در آن حوالی است، اوگی با سوسک‌ها مهربان می‌شود.

**لیدی کی:** یک سوسک ماده که در خانه اولیویا زندگی می‌کند.



# بازی با مفهوم شلوغی در دنیای مدرن

علی شیرازی

تلویزیون در سال‌های اولیه خود فقط به پخش آثار چاپلین، لوی، لورل و هاردی، ویزدام و بقیه کم‌دین‌های شناخته‌شده و مشهور خارجی در ایران محدود نمی‌شد، بلکه گاه و بیگاه از بازیگران کم‌دی که در ایران غیرمشهور به نظر می‌رسیدند یا به اندازه افراد مذکور شناخته شده نبودند نیز فیلم‌هایی پخش می‌کرد.

مثلاً یک کم‌دی ناطق که چند بار پخش شد «گاو و زندانی» با شرکت فرناندل بود. ذکر یک نکته تاریخی درباره سینمای ایران (مرتبط با همین فیلم) چندان خالی از لطف نیست؛ نگارنده به درستی نمی‌داند که آیا کمال تبریزی این فیلم را دیده یا نه، اما به گمانم یکی از صحنه‌های کم‌دی خویش - «لیلی با من است» - تحت تاثیر صحنه‌های مشابه در «گاو و زندانی» خلق شده، آنجا که فرناندل وقتی می‌خواهد از یک دوراهی عبور کند، اصابت یا تاثیر موج انفجار گلوله‌ای، جهت یک تابلوی راهنمای فلش مانند را به سمت مخالف خودش تغییر می‌دهد و او به اشتباه، مسیرش را به همان سمت تغییر جهت یافته تابلو عوض می‌کند و یکسره وارد محصه تازه‌ای می‌شود.

نکته دیگر پرداختن (یا به نوعی) بازی با مفهوم شلوغی و ازدحام در دنیای مدرن بود که به عنوان یکی از موارد محبوب فیلمسازان سینمای کم‌دی در فیلم‌های پخش شده آن سال‌ها به آنها پرداخته می‌شد. مثلاً در فیلمی از هارولد لوی، او نقش فروشنده پوشاک زنانه در یک فروشگاه بزرگ را بازی می‌کند. هارولد مدام ده‌ها زن را پیش روی میز غرفه خود می‌بیند که همزمان مشغول حرف زدن، پرسیدن قیمت و انتخاب لباس هستند؛ بی‌آن‌که این همه پیگیری و اصرار آنها بر همزمانی کارهایشان نتیجه‌ای برای این فروشنده پرنرزی و امیدوار(!) در بر داشته باشد و حتی به یک فقره خرید منجر شود!

عاقبت در صحنه‌ای، هارولد که از این اوضاع به تنگ آمده، حیل‌های تدارک می‌بیند و (از طریق میان‌نویس می‌فهمیم که با صدای بلند) می‌پرسد: این ۵۰ دلاری مال کیه؟!

آن وقت و در چشم به هم زدن، همه آن ۲۰-۱۰ نفر خانم، به خیال تصاحب ۵۰ دلار خیالی، متوجه فضای دور میز هارولد و مشغول گشتن آنجا می‌شوند. نتیجه‌ای که دلخواه هارولد است و او موفق می‌شود برای دقایقی هم که شده از آنجا بگریزد و نفسی تازه کند...

«روزی طولانی‌تر از یک سال» هم یکی از فیلم‌هایی بود که آن سال‌ها زیاد پخش شد و با لحنی آمیخته با تراژدی و کم‌دی به شلوغی‌های پس از وقوع حادثه‌ای وحشتناک می‌پرداخت و می‌کوشید موضوعی صد درصد انسانی را به تصویر بکشد. فیلمی با یک مضمونی داستانی که در نوع خودش جالب و کمیاب بود و هنوز هم می‌تواند دستمایه فیلمسازان قرار گیرد: «زلزله‌ای مهیب در شهری رخ می‌دهد، در اثر فروریختن دیوارهای زندان شهر، چند محکوم باسابقه که در بین آنها آدم‌های خطرناکی هم دیده می‌شوند از فرصت سودجسته و می‌خواهند فرار کنند، اما هنگام عبور از میان ویرانی‌ها و با دیدن انسان‌های آسیب‌دیده و زنان و فرزندان که نیاز به کمک دارند، احساسات انساندوستانه‌شان بیدار می‌شود و تا آنجایی که در توان دارند به هم‌نوعان خویش کمک می‌کنند.

بعضی از این محکومان حتی از جانفشانی نیز دریغ نمی‌کنند. با پایان روزی که به نظر آنها و بیننده بسیار طولانی و پرتنش گذشته است، محکومان را می‌بینیم در حالی که از نظر روحی روانی خیلی تغییر کرده‌اند، به زندانی برمی‌گردند که درهای آن باز است و هنوز دیوارهای فروریخته‌اش خودنمایی می‌کنند... این دیوارها نشان از آزادی همیشگی این محکوم و دیگر هم‌بندانش می‌دهد؛ زیرا آنها فرصت آزادی دروغین را فرو گذاشته‌اند و در حقیقت خود را از هرگونه بندی رها کرده‌اند و به گوهری گرانبها دست یافته‌اند. نوعی «یله‌گی و «رها» بی‌که در اشعار شاعری بزرگ مثل مولانا مورد اشاره و تأکیدهای مکرر قرار گرفته است.

فیلم با نمایشی تمام می‌شود که آن سال‌ها مثل یک ضرب‌المثل در جامعه ایرانی و کسانی که «روزی طولانی‌تر از یک سال» را دوست می‌داشتند رد و بدل می‌شد: در آخرین پلان‌های فیلم که بازیگر نقش اصلی با یک تاکسی به مقابل در زندان می‌رسد، وقتی راننده از او می‌پرسد: «چقدر صبر کنم تا شما را برگردانم؟» - راننده



نمی‌داند او یک زندانی است که برای ادامه محکومیتش به زندان بازگشته - و او با این جمله بیننده و راننده را به شکل توأمان غافلگیر می‌کند: «چهار پنج سال دیگه!»

فیلم دیگری که با موضوع زندان و زندانی پخش می‌شد، یکی از قالب‌های ساخته شده از روی «بینوایان» داستان بلندویکتور هوگو بود (تقریباً به مدت یک دهه فقط همان یک فیلم بود که از روی این اثر مشهور هوگو ساخته شده بود و از تلویزیون کشورمان نمایش داده می‌شد). «بینوایان» بشدت با مضامین، حرف‌ها و شعارهای آن سال‌ها همخوانی داشت، بعلاوه این که داستان پرکشش و وجود مضامین انقلابی (که از طریق ورود دانشجویی جوان و عاشق به نام ماریوس آن را به فضای فیلم اضافه می‌کرد) و همچنین دست‌گیری‌های پی در پی ژان وال‌ژان از محرومان، سخت به مذاق اذعان آرمانگرای آن زمانه خوش می‌آمد و همین، علت پخش مکرر می‌شد. در همان فاصله دست‌کم دو بار سریال‌هایی هم از روی این داستان خریداری و پخش شده؛ نسخه‌ای که نقش ژان وال‌ژان را در آن لینیو و نتورا بازیگر معروف و کارکننده بازی می‌کرد (و بخوبی هم از پس نقش برآمده بود) و دیگری نسخه‌ای کارتون‌کی که چند هفته پیاپی از برنامه کودک به نمایش درمی‌آمد و افراد کم‌سن و سال را با این داستان پرچادبه آشنا می‌کرد.

تلویزیون بعد از انقلاب، بجز ایفای نقش و تاثیرگذاری بر تداوم شهرت و محبوبیت بازیگران کم‌دی در بین قدیمی‌ترهای جامعه و همچنین باز معرفی این گروه از بازیگران به نسل‌های جدید، باعث شهرت یکی از کم‌دین‌های سینمای اروپا در ایران نیز شد. این کم‌دین کسی نبود جز دیتر هالروردن، مشهور به «دی‌دی». او که با صدای منحصر به فرد و ماندگار حسین عرفانی در ایران شناخته شده، به یکبار و پس از موفقیت نخستین فیلم پخش شده‌اش در تلویزیون کشورمان تا مدت‌ها این رسانه را به اشغال خود درآورد، به صورتی که در هر مناسبت شادمانه (اعیاد مذهبی مثل ولادت‌ها، یا ملی از قبیل نوروز) «سیمما» می‌کوشید فرصت را از دست ندهد و فیلمی از دی‌دی دست و پا کند و با دوبله آن، روانه پرده کوچکش کند. هر وقت هم که دست تلویزیون خالی می‌ماند، نعمت تکرار فیلم‌های قبلی همواره برقرار بود. در این یک مورد، دی‌دی با بقیه کم‌دین‌های تاریخ سینما وجه اشتراک داشت، چراکه بارها فیلم‌هایش از تلویزیون کشورمان دیده شد. البته دی‌دی، نمک و شیرینی توأمان کم‌دین‌های قدیمی‌تر از خودش را نداشت، بعلاوه فیلم‌هایش نیز از سادگی آثار بزرگان سینمای کم‌دی (چاپلین، لوی، کیتون، لورل و هاردی و بقیه) به دور بود و مضامین انسانی نیز به پرنرگی

فیلم‌های آنها در آثارش مطرح نمی‌شد. شاید هم شیوه بیان و نوع عرضه و بن‌مایه خاص او در سینمای کم‌دی کمتر به مذاق ما ایرانیان خوش می‌آمد، اما هر چه بود حضور دی‌دی و نمایش فیلم‌هایش در تلویزیون آن سال‌ها فرصتی مغتنم بود که نمی‌شد آن را نادیده گرفت.

دیتر هالروردن (به آلمانی) هنرپیشه، کم‌دین و خواننده آلمانی در پنجم سپتامبر ۱۹۳۵ میلادی (سیزدهم شهریور ۱۳۱۴ خورشیدی) متولد شد. او از مشهورترین کم‌دین‌های کشورش است و در ایران نیز طرفدارانی دارد. از فیلم‌های دوبله و پخش شده‌اش در ایران که عمدتاً از تلویزیون به نمایش درآمده‌اند می‌توان اینها را نام برد: دی‌دی مشابه آقای رئیس، دی‌دی می‌تازد، دی‌دی و ارثیه فامیلی، دی‌دی و جاسوسان، دی‌دی کارشناس و هری عزیز.

یکی از جلوه‌های درخشان هنر دوبلاژ در ایران صحبت کردن حسین عرفانی در هر هفت نقشی است که دی‌دی در فیلم «دی‌دی و ارثیه فامیلی» بازی کرده بود. او همه این رل‌ها را با قدرت اجرا کرد. البته سابقه درخشش عرفانی (متولد سال ۱۳۲۱ در تهران) که بازیگر تلویزیون، سینما و تئاتر هم هست در فن گویندگی بر هیچ کس پوشیده نیست. او با صدای بم و با اعطافش، قابلیت تپ‌سازی بالایی دارد و در گفتن همزمان هفت نقش در یک فیلم بخوبی آن را به نمایش گذاشته است. عرفانی نزد طرفداران سینما (و بویژه «دوبله‌بازها» در ایران) به‌عنوان گوینده ثابت نقش‌های همفری بوگارت مشهور نیز شناخته می‌شود.

تعداد دیگری از بازیگران و فیلم‌های مشهور این دوبلور توانا عبارتند از: توشیرو میفونه (ریش قرمز، هفت سامورایی، یوجیمبو، پیتراوتول (لورنس عربستان)، کلارک گیبل (بر باد رفته)، اولیور رید (عمر مختار، شاهزاده و گدا)، ویلیام هولدن (پل رودخانه کووای، شبکه، آسمان‌خراش جهنمی) و جودان بیکر (سریال لبه تاریکی)

نمی‌توان خاطرات نوستالژیک سینمای کم‌دی در تلویزیون ایران را از ذهن گذراند و نامی از جمشیدگرگین نبرد؛ چراکه بخشی از کارنامه این بازیگر قدیمی و خوب سینما و تلویزیون ایران با سینمای کم‌دی گره خورده است. او (متولد ۱۳۳۰ در تهران است که با نقش یوزف در سریال «کوچک جنگلی» در یادها ماند) هر بار و در همان مناسبت‌های شادمانه‌ای که گفتیم، یکی از قسمت‌های برنامه مشهورش را با هدف پرداختن به سینمای کم‌دی کلاسیک به پخش تکه‌هایی از آثار کم‌دین‌ها اختصاص می‌داد، بعلاوه با مرور زندگی و کارنامه هنرمند مورد بحث در لابه‌لای پخش آن تکه‌ها، می‌کوشید ایرانیان را با بزرگان سینمای کم‌دی بیشتر آشنا کند و اتفاقاً برنامه‌اش که آمیخته‌ای بود از نوستالژی و خاطره و علاقه‌مندی (به این گونه از سینما) سخت با استقبال تماشاگران روبه‌رو می‌شد.

نکته جالب این‌که به علت تولید و پخش بیشتر این گونه برنامه‌ها در دهه‌های دوم و سوم فعالیت تلویزیون در سال‌های پس از انقلاب، بخش‌های جالب و چشمگیر فیلم‌های خاطره‌انگیز سینمای کم‌دی، گلچین و بازپخش می‌شد و یک دلیل در خاطر ماندن صحنه‌هایی از این سینما و کم‌دین‌های مشهورش همانا پخش چنین صحنه‌هایی از برنامه‌های مذکور بوده است؛ صحنه‌هایی که بارها در این سلسله مطالب مورد اشاره و یادکرد قرار گرفته و حس نوستالژیک علاقه‌مندان را برانگیخته است.

گرگین یک‌بار گفته است: «در تلویزیون به‌عنوان مجری، برنامه‌ساز و تهیه‌کننده کار می‌کردم. برنامه‌هایی را که خودم تهیه‌کننده بودم اجرا می‌کردم، یعنی گوینده‌ای نبودم که برای دیگران اجرا کنم. همه برنامه‌های من در تلویزیون درباره فرهنگ و هنر بوده است.»





# «در حوالی قاف»، مهمان خدا شویم

رقیه بقائی

در روزهای ماه رمضان شبکه‌های رادیویی ویژه برنامه‌های متنوع و مختلفی را برای مخاطبان تدارک دیده‌اند تا هر سلیقه‌ای بتواند از شنیدن این برنامه‌ها لذت ببرد.

در یک روز گرم تیرماه برای تهیه گزارشی به ساختمان شهدای رادیوی سازمان صدا و سیما در خیابان ولی عصر (عج) می‌روم. اینجا استودیوی چهار، محل ضبط برنامه «در حوالی قاف» شبکه سراسری فرهنگ است.

برنامه در حوالی قاف برگرفته از داستان منطق الطیر عطار نیشابوری، به جایی اشاره دارد که انسان از تمام تعلقات دنیوی فارغ است و فقط به خدا فکر می‌کند و بس و آنجایی که فقط به معبود می‌اندیشد، سراسر عشق و مهر است. این تنها بخشی از صحبت‌های مریم مقدسی تهیه‌کننده و نویسنده این برنامه است که روزهای پرکاری را سپری می‌کند. وی با استقبال گرمی پذیرایم می‌شود. وقتی از او درباره چگونگی تهیه و ساخت برنامه هنگام افطار شبکه سراسری فرهنگ می‌پرسیم، می‌گوید: «ویژه برنامه در حوالی قاف برای زمان افطار رادیو فرهنگ تهیه شده است و در دل برنامه هفت اقلیم این شبکه رادیویی از نیم ساعت قبل از اذان مغرب تا پانزده دقیقه بعد از اذان تقدیم شنوندگان صدای فرهنگ می‌شود.»

وی این برنامه را دارای دو رویکرد ادبی و عرفانی می‌داند و می‌گوید: «بیان حال و هوای عرفانی هنرمندان از زبان خودشان و انتقال تجربیات معنوی آنان در ماه مبارک رمضان، رهنمودهای اسلام و بیان موارد اخلاقی مورد تأکید آن، قرائت ادعیه و مناجات، آوازهای عرفانی، ترجمه قرآن کریم به صورت منظوم، تلاوت قرآن مجید، بخش اذان مغرب و نام‌های زیبای خداوند به روایت پژوهشگر قرآنی از جمله بخش‌های مختلف برنامه در حوالی قاف است.»

تهیه‌کننده جوان شبکه سراسری رادیو فرهنگ، از سختی کار تهیه‌کنندگی این برنامه می‌گوید: «برنامه چهل و پنج دقیقه‌ای در حوالی قاف از بخش‌های کوتاه تشکیل شده است، بر همین اساس تهیه‌کنندگی آن سخت است؛ اما تلاش داریم تا با انتخاب قطعه‌ها، ساخت آئونس‌ها و به کارگیری موسیقی‌ها این فضای عرفانی و حال و هوای لحظه‌های روحانی افطار را برای مردم به وجود بیاوریم.»

ضبط برنامه آغاز می‌شود و مقدسی از پشت اتاق شیشه‌ای، به ژیلایا امیرشاهی، گوینده اشاره می‌کند که آرم برنامه را بگوید. امیرشاهی می‌گوید: «پروردگارا، پیامبر گناهای که دعایم را حبس می‌کنند و مرا در سایه رحمتت، از غیر، بی‌نیاز

گردان... به نام خداوندی که حیات بخش است و مهرافزین... بسم الله الحی القیوم... سلام بر مردم خداجوی میهن عزیزمان، ایران... هفته نخست ماه مبارک رمضان، ماه تجلی اراده و ایمان، رویه پایان است. بندگی و نیایش‌هایتان مقبول درگاه خداوند باشد، ان شاءالله... هر که در این ماه گره از کار نیازمندی بگشاید، خداوند بخشایشگر در روزی که گام‌ها بلغزد، هنگام عبور از صراط یادش می‌کند. ویژه برنامه امروز در حوالی قاف تقدیم می‌شود به آنان که صدای تسبیح‌شان ملائک را به وجد می‌آورد.»

حین ضبط برنامه، مدیر گروه فرهنگ و هنر شبکه سراسری فرهنگ به استودیو وارد می‌شود تا از نزدیک بر روند ضبط برنامه نظارت داشته باشد. در فرصتی که ایجاد می‌شود، از نیلوفر زندیان درباره چگونگی برنامه‌سازی در این گروه می‌پرسیم که می‌گوید: «با توجه به رسالتی که شبکه سراسری فرهنگ دارد، در گروه فرهنگ و هنر این شبکه رادیویی به مقوله هنر به صورت تخصصی می‌پردازیم و به مباحث هنری نگاه تخصصی و کارشناسانه داریم. از این رو در طول هفته برنامه‌سازان این گروه برنامه‌های مختلف و متنوعی در حوزه هنرهای تجسمی، موسیقی، تئاتر، سینما و... به صورت زنده و تولیدی تهیه و بخش می‌کنند.»

مدیر گروه فرهنگ و هنر شبکه سراسری فرهنگ درباره برنامه هنگام افطار این شبکه نیز خاطر نشان می‌کند: «برنامه هفت اقلیم این شبکه هر روز از ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه تا ۲۱ از رادیو فرهنگ بخش می‌شود که برنامه اذان مغرب در دل این برنامه قرار می‌گیرد. بر همین اساس قرار شد برنامه هنگام افطار را گروه فرهنگ و هنر تدارک ببیند که با توجه به رویکرد این گروه، برنامه در حوالی قاف رنگ و بوی هنری به خود می‌گیرد و در آن تلاش می‌شود تا با گفت و گو با هنرمندان، تجربه‌های معنوی آنان را در طول ماه ضیافت الهی به شنوندگان صدای فرهنگ منتقل کنیم.»

حسی ملکوتی در استودیو حکمفرما شده است، دوست داری با تمام وجود خدا را صدا کنی. صدای تیک تاک

عقربه‌های ساعت به

گوش می‌رسد. امیرشاهی با صدای گرم و صمیمی اش، پرانرژی‌تر از دقایق پیش، برنامه را این‌طور ادامه می‌دهد: «تا لحظه‌های شنیدن صوت اذان از گلدسته‌های ایمان، چند دقیقه باقی است. دل‌ها بهاری و معطر می‌شوند به رایحه قرآن؛ گوش جان‌هایمان را می‌سپاریم به ترجمه منظوم آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره مبارک اعراف.» پس از ترجمه آیات، ضبط برنامه این‌طور ادامه می‌یابد: «قرآن برکت منازل است و زینت جان‌ها، برترین ذکر است و نیکوترین سخن. آیات ۲۹ تا ۳۱ سوره مبارک اعراف را با صدای قاری بین‌المللی استاد محمدحسین



برجسته کردن این تفکر را می‌داند. بر همین اساس، گروه فرهنگ و هنر رادیو فرهنگ نیز تلاش دارد از هنرمندان برای به کارگیری و نهادینه کردن این مفاهیم در جامعه کمک بگیرد.»

\*\*\*

بخش پایانی ویژه برنامه در حوالی قاف ضبط می‌شود. امیرشاهی در لحظه‌های پایانی برنامه روی آنتن با مردم صحبت می‌کند: «خدا را شکر می‌گوییم که در ماه مبارک رمضان توفیق همراهی تان را به ما عطا کرد، تا فردا و لحظه‌های روح نواز و متبرک اذان مغرب دیگر خدائگهدار.»

برنامه به پایان رسیده و با ژیلایا امیرشاهی، گوینده برنامه همصحبت می‌شوم. از او درباره گویندگی در رادیو فرهنگ می‌پرسیم که می‌گوید: «اینجا برای من مکان مقدسی است و خیلی خوشحالم که با ویژه برنامه در حوالی قاف در ماه ضیافت الهی مهمان خانه‌های مردم هستم.»

وی با بیان این که گوینده موفق باید بتواند برای همه مخاطبان، برنامه اجرا کند، ادامه می‌دهد: «گوینده باید صدای خود را طوری تنظیم کند که بتواند با تمام مخاطبان در برنامه‌های مختلف مذهبی، سرگرمی، علمی، ادبی و... ارتباط برقرار کند.»

امیرشاهی تصریح می‌کند: «امیدوارم به واسطه ماه مبارک رمضان دل‌هایمان روشن باشد و این ماه واسطه‌ای باشد تا رشته وجودی مان به خدا گره بخورد. من رشته محبت تو پاره می‌کنم، شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم. امیدوارم دل‌ها مان هر چه بیشتر به معبود یکتا مان نزدیک شود.»

سبزه‌علی می‌شنویم.» پس از تلاوت آیات قرآنی، گوینده برنامه می‌گوید: «آسمان‌ها و زمین و هر که در آن است، تسبیح می‌گویند، سبحان الله یا فارح الهمم و یا کاشف الغم، اذان مغرب به افق تهران از شبکه فرهنگ، مؤذن استاد حسن رضائیان.»

پس از ضبط این بخش از برنامه، زندیان، مدیر گروه فرهنگ

و هنر در ادامه صحبت‌های خود به تأثیر پذیری جوانان از هنرمندان اشاره می‌کند و می‌گوید:

«قطعا هنرمندی که در کشور اسلامی کار هنری خلق می‌کند، هنرش بدون رنگ مفاهیم دینی معنا ندارد. بنابراین هر اثر هنری و هر هنرمندی که اثری را تولید می‌کند، این تفکر را دارد و این تفکر زمانی که از زبان هنرمند مطرح می‌شود، روی مخاطب تأثیر بیشتری دارد؛ چرا که هنرمند ویژگی‌های





## پنجره‌ای رو به مخاطب

برنامه «پنجره‌ای برای تماشا» هر روز بجز جمعه‌ها از ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه با تقدیم به یک شهید از شبکه رادیویی تهران موج اف.ام. ردیف ۹۴ مگاهرتز روی آنتن می‌رود.

نوشین رهگذر، سردبیر و تهیه‌کننده درباره این برنامه می‌گوید: برنامه «پنجره‌ای برای تماشا» با تقدیم به یک شهید به مدت ۵۵ دقیقه پخش می‌شود. در این برنامه هر روز از یک شهید دفاع مقدس یاد و مختصری از زندگی او از زبان مادر، همسر و هم‌زمان روایت می‌شود. حجت‌الاسلام والمسلمین وحیدی، سبک زندگی آفریده‌های خدا از جمله طبیعت، کوه، جنگل، پرندها و مهندس مهدی حاج‌زمانی نیز سبک زندگی منتظران مهدی را بررسی می‌کند.

هانی چیت‌چیان نیز درباره سبک زندگی در قرآن و مهدی رستمی درباره مهارت‌های ایمانی و سبک زندگی آدم‌های دیندار اطلاعاتی به شنوندگان ارائه می‌کند. رهگذر در ادامه درباره دیگر بخش‌های برنامه می‌گوید: «منم او را می‌شناسم» قصه‌ای روایی است که تمام مناسبت‌های روز و تقویمی با اجرای لیلا میرمحمدی آذر از بعد خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روایت می‌شود. بخش «داستانک» از زندگی شخصی است که پریسا جمالی آن را اجرا می‌کند و لحظه‌های شیرین و عرفانی را که زمندگان در لحظه‌های جنگ و اسارت داشته‌اند، بیان می‌کند.

### در محضر خدا

تهیه‌کننده برنامه پنجره‌ای برای تماشا تصریح می‌کند: «در محضر خدا» از دیگر بخش‌هایی است که برش کوچکی از زندگی عرفای معاصر را نقل می‌کند که با اجرای سعید بارانی به‌عنوان الگو و راهکار مطرح می‌شود؛ مانند علامه طباطبایی و آیت‌الله قاضی.



در بخش احکام حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی حائری‌زاده، پاسخگوی پرسش‌های شرعی مردم است. قرآن، اذان، دعا و ذکر روز از دیگر بخش‌های برنامه است. «آن سوی پنجره» نیایش کوتاهی از زبان شهیدان، بزرگان، عرفا و ائمه است که پلی زده می‌شود به نیایش‌های بزرگان.

وی می‌افزاید: در بخش «یک حدیث یک حکایت» حدیثی از اهل بیت تبیین و معرفی و یک حکایت مناسب نیز در این خصوص قرائت می‌شود. همچنین شمشیرگرها، محقق و پژوهشگر امامزاده‌های شهر تهران روزهای پنجشنبه امامزاده‌های شهر تهران را معرفی می‌کند و درباره آداب و رسوم زیارت، زیارتنامه، معماری، شخصیتی که مدفون شده و نسب و حتی درباره نذورات مردم صحبت می‌کند.

در پایان برنامه در بخش خدا گفت آیهای از کلام قرآن مجید با ترجمه آن خوانده می‌شود و برنامه با یک برداشت آزاد از آیه به پایان می‌رسد. در مناسبت‌های ویژه همچون ماه محرم، عیدها و هفته دفاع مقدس و... فریبا طبیبی - کارشناس - معرفی کتاب‌های ویژه آن دوران را به عهده دارد.

## گزارشی از پشت صحنه برنامه رادیویی «فردای روشن»

# همه می‌توانند کارآفرین باشند



### مریم کریمی

یکی از برنامه‌هایی که با رویکرد کارآفرینی روی آنتن می‌رود، برنامه فردای روشن از شبکه رادیویی تهران است؛ برنامه‌ای که شنوندگان خود را با شغل‌های متعدد و کارآفرینان برتر آشنا می‌کند و سعی دارد نقش برنامه‌هایی رادیویی را در توسعه فرهنگ کارآفرینی و ایده‌پردازی افزایش دهد.

مهدی رادفر، تهیه‌کننده و سردبیر برنامه می‌گوید: این برنامه با هدف آشنایی شهروندان با کارآفرینان و راه‌های کسب درآمد از طریق خوداشتغالی و کارآفرینی تقدیم شنوندگان می‌شود. امسال نیز پیرو تحقق شعار سال، این برنامه همراه با فرهنگ‌سازی و توسعه روحیه فرهنگی و ارتقای آن در جامعه، به بخش اقتصادی نیز توجه دارد و با رویکرد فرهنگی و اقتصادی تهیه و پخش می‌شود. به دلیل این که کارآفرینی یکی از ارکان مهم اقتصاد و تولید است، ما در این برنامه از جهادگران عرصه اقتصادی و کارآفرینان برتر استان تهران و کشور دعوت می‌کنیم تا برای مخاطبان ایجاد انگیزه شود.

### الگوسازی، فرهنگ‌سازی در تولید و کارآفرینی

رادفر معتقد است: کارآفرینی به‌عنوان فرهنگ، باید به صورت یک ارزش مشخص با سرشت و رفتار افراد جامعه عین شود و به‌عنوان یک ضرورت قطعی و حیاتی در همه اذهان جای بگیرد و نهادینه شود؛ از این رو نهادهای الگوساز بخصوص رسانه‌ها و نهادهای آموزشی، علمی و تحقیقی موظفند به ساخت و معرفی الگوهای مناسب بپردازند. تهیه‌کننده برنامه فردای روشن به موضوع‌هایی که در این برنامه به آن پرداخته شده است، اشاره می‌کند و می‌افزاید: از کارآفرینانی که به برنامه دعوت شده‌اند، می‌توان به خانم کارآفرینی اشاره کرد که نرم‌افزارها و اپلیکیشن‌های موبایل ایرانی را برای معلولان، نابینایان و ناشنوایان کاربردی کرده است. تولیدکننده خاویار پرورشی در کویر قم، تولیدکننده عدسی‌های فوق پیشرفته، کارآفرین عسل صادراتی، سنگ‌های قیمتی و ناب، چرم، طلا، جواهر و... که در این برنامه به آنها پرداخته شده است.

### امیدبخشی

ساعت ۸ و ۵ دقیقه را نشان می‌دهد و فرزند رنجبر،

کندوها را هم می‌فروشم و به علاقه‌مندان نیز این رشته را آموزش می‌دهم.

وی معتقد است: خودتکایی از اولین خصوصیات یک کارآفرین است، با کمک این نیرو، کارآفرین می‌تواند به مبارزه با سختی‌ها بپردازد. البته باید گفت خوش‌بینی از ویژگی‌های مهم و بارز یک کارآفرین است. اگر فردی دارای انگیزه بسیار قوی برای انجام کاری باشد و آن انگیزه در درون آن نباشد، در هر لحظه ممکن است فرد آن کار را رها کند، اما با اراده، خودباوری و اعتماد به نفس می‌توان تا انتها پیش رفت و موفق بود.

### تقویت خودباوری و اعتماد به نفس

در پایان با فرزین رنجبر، گوینده برنامه فردای روشن به گفت‌وگو می‌نشینیم؛ او می‌گوید: ما در این برنامه بیشتر به بخش صادرات در اقتصاد کشور و جایگاه ایران در این زمینه تاکید داریم.

کارآفرینانی که به برنامه دعوت می‌شوند، دارای ایده و فکر جدیدی هستند که از طریق فرآیند ایجاد کسب و کار، توام با بسیج منابع و مخاطره مالی و اجتماعی توانسته‌اند محصول یا خدمت جدیدی را به بازار عرضه کنند. این‌گونه برنامه‌ها به لحاظ تاثیرگذاری می‌توانند به ایجاد جرقه یک ایده خوب در ذهن شنوندگان منجر شوند.

وی می‌افزاید: ما بیشتر بر روحیات کارآفرینان متمرکز می‌شویم تا برای شنوندگان مسلم شود که کارآفرینان آدم‌های خودباوری هستند و ریسک‌پذیری بالایی دارند. ما در این برنامه به دنبال این هستیم که جوان‌ها به خودباوری برسند و کارآفرینی کنند.

گوینده فردای روشن در پایان تصریح می‌کند: من خودم به‌عنوان مخاطب خیلی متاثر و تشویق شدم که کاری را راه‌اندازی کنم، مطمئنم بخش این‌گونه برنامه‌ها بی‌تاثیر نیست و شنیدنش هم خالی از لطف نیست. کارآفرینان با توضیح روندی که طی کردند، ترس و واکنش ریسک را در افراد کاهش می‌دهند تا با اعتماد به نفس بیشتری کار خود را آغاز کنند.

برنامه فردای روشن کاری از گروه علم و زندگی شبکه رادیویی تهران است که در جهت تحقق شعار سال با معرفی کارآفرینان برتر، روزهای زوج از ساعت ۸ و ۵ دقیقه، از موج اف.ام. ردیف ۹۴ مگاهرتز روی آنتن می‌رود.

گوینده برنامه فردای روشن با سلام و احوالپرسی شنوندگان را به شنیدن برنامه دعوت می‌کند. امروز عبدالرضا بساک، تولیدکننده عسل‌های صادراتی از کارآفرینان برتر کشورمان، مهمان این برنامه است.

او در این برنامه درباره فعالیت‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌هایش می‌گوید: از این که اگر قرار است کسی در این حوزه وارد شود چه کارهایی باید انجام دهد و لازمه رسیدن به موفقیت در این شغل چیست.

کارآفرین برتر کشورمان می‌گوید: سال ۵۷ در رشته مهندسی مکانیک فارغ‌التحصیل شدم، ۱۶ سال مدیر کل پشتیبانی استان‌ها بودم، اما به سبب بیماری از کار استعفا کردم و به دلیل این که باید از تهران به یک مکان خوش آب و هوا می‌رفتم، به یکی از روستاهای و رامین رفتم و به کار زنبورداری مشغول شدم.

او ادامه می‌دهد: به‌نظرم پرداختن به زندگی کارآفرینان می‌تواند برای مخاطبان خیلی جذاب باشد، شاید بتواند به نوعی علاوه بر ایجاد سرگرمی در افزایش اطلاعات و تغییر نگرش‌ها در شنوندگان تاثیرگذار باشد.

در ادامه گوینده در گفت‌وگو با مهمان برنامه درباره ایده و طرحش، سرمایه اولیه، مشوق او و میزان درآمد...

### ایده‌های نوآورانه

او می‌گوید: کارآفرین به شخص حقیقی یا حقوقی گفته می‌شود که توانایی تحمل ریسک - اغلب مالی - را دارد و می‌تواند یک ایده اولیه را به یک فعالیت اقتصادی تبدیل کند. همه ما می‌توانیم یک کارآفرین باشیم، چه کارمند، چه کشاورز و... در هر پست و مقامی که باشیم، در راه انجام فعالیت‌های خود می‌توانیم کارآفرین بوده و ایده‌های خود را جامعه عمل ببوشانیم و با توکل بر خدا برای رسیدن به سوی موفقیت گام برداریم تا به امید خدا در آن کار سربلند و پیروز باشیم.

بساک خاطر نشان می‌کند: این «ایده» است که محرک «سرمایه» است و ایده نوآورانه و خلاق به همراه سرمایه به ارائه محصول جدید در بازار منجر می‌شود. من سالانه دو تن عسل تولید می‌کنم و درآمد خوبی هم دارم. اولین ایده شروع به کار را هم از زنبوری که در منزلم کندو ساخته بود، گرفتم. برای این کار سرمایه چندانی نیاز نبود، اکنون ضمن این که برای خودم شغل مناسبی دارم، برای فرزندان و اطرافیانم نیز ایجاد شغل کرده‌ام و ضمن فروش عسل و صادرات آن، زنبورها و



گفت و گو با کلایو اوئن، بازیگر «تجارت جهانی»

# دوست ندارم نقش شخصیت‌های خوب را بازی کنم

نه آدم خوبی است و نه آدم بدی، اما وقتی به آدم‌های دور و برمان نگاه می‌کنید، خیلی‌ها همین طوری هستند. این طور نیست؟ جالب است که بازی در نقش جیمز باند را رد کردید.

شخصیت‌هایی مثل جیمز باند مورد پسند نیستند و علاقه‌ای به بازی در این جور نقش‌ها ندارم. چند سال قبل که پیشنهاد بازی در «کازینو رویال» (۲۰۰۶) به من شد، خیلی قاطع آن را رد کردم. این نقش به دانیل کریگ رسید. کسی مثل جیمز باند حرفی برای گفتن ندارد. یک کاراکتر روی پرده سینما باید به خلق یک چیز تازه بپردازد و جیمز باند سال‌هاست در دام تکرار و کلیشه باقی مانده است.

با وجود موفقیت زیاد در سینما، چرا هنوز هم در نمایش‌های تئاتر ظاهر می‌شوید؟

صحنه تئاتر را دوست دارم و فکر می‌کنم هر بازیگری، بهترین بازی خود را در آنجا ارائه می‌دهد. روی صحنه تئاتر شما با هیچ واسطه‌ای روبه‌رو نیستید و می‌توانید آزادانه و بدون قید و بند آن کارهایی را انجام دهید که دوست دارید. به همین ترتیب، تئاتر رشته‌ای است که انرژی متفاوت و افزونی را می‌طلبد. از نظر فشار کاری مثل این است که به یک باشگاه ورزشی بروید و برای چند ساعت پی‌درپی، سخت ورزش کنید. همین نکته باعث شده است تا فاصله زمانی بین نمایش‌های تئاتری زیاد شود. در حقیقت، سختی بازی در نمایش‌های تئاتر آنقدر زیاد است که مجبورم هر چند سال یک بار، در یکی از آنها ظاهر شوم. این مساله هم هیچ ارتباطی به حضورم در دنیای سینما ندارد. البته سینما را خیلی دوست دارم و بازیگری در این رشته، انتخاب اول و اصلی‌ام است.

چه زمانی به این فکر افتادید که بازیگر سینما و تئاتر شوید؟

اوایل نوجوانی و آن زمانی که ده، یازده ساله بودم. در نمایش‌های آماتور مدرسه‌ام بازی می‌کردم و حضور فعالی در آنها داشتم. همان روزها احساس می‌کردم کار جذاب و سرگرم‌کننده‌ای است و می‌خواهم وقتی بزرگ شدم، بازیگر شوم. یادم می‌آید این موضوع را به اعضای خانواده‌ام گفتم، ولی کسی حرف‌هایم را جدی نگرفت. با وجود این، بر سر تصمیمی که گرفته بودم، ایستادم. راهم را انتخاب کرده بودم. با آن که بچه بودم و سن و سالی نداشتم، می‌دانستم آینده‌ام همین است. به خاطر می‌آورم یکی از معلم‌هایم به من گفت: «تو پسر یک خانواده کارگر از یک محله فقیر هستی. چطور می‌توانی بازیگر شوی؟» ولی من نسبت به آینده‌ام اطمینان داشتم.

کلایو اوئن، بازیگر پنجاه ساله سینما، اصلیتی انگلیسی دارد و مثل بسیاری از دیگر بازیگران هموطن خود، بیشتر به سراغ نقش‌هایی می‌رود که چالش برانگیز است و بازی در آنها، کار چندان ساده‌ای نیست. همان طور که خودش هم در گفت‌وگوی زیر می‌گوید؛ به دنبال بازی در نقش آدم‌های متفاوتی است که شباهت زیادی به دیگران ندارند و خاص هستند. اوئن در خانواده‌ای کارگر بزرگ شد و ورودش به دنیای سینما بسیار سخت بود، اما زمانی که منتقدان و تماشاگران سینما او را روی پرده سینما دیدند، گفتند یک بازیگر مولف تازه به جمع بازیگران جوان سینما اضافه شده است. در کنار بازی در نقش ارنست همینگوی، در فیلم تلویزیونی «همینگوی و گلهورن» این بازیگر انگلیسی در فیلم‌هایی مثل بچه‌های انسان، دومین ارتفاع، همسر مرد ثروتمند، پارک گوسفورد، سین سییتی ۱ و ۲، الیزابت: عصر طلایی و مرد درونی بازی داشته است. در درام دلپره‌آور سیاسی تجارت جهانی که هفته قبل از شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، او در نقش یک مامور اینترپل به نام لوئیس سالینجر بازی می‌کند. در قصه فیلم، او تلاش دارد پرده از نقش یک انستیتوی سرمایه‌گذاری بین‌المللی در زنجیره معاملات غیرقانونی و پرسود بین‌المللی اسلحه بردارد.



رویتزر/مترجم: کیکاووس زیاری

از شخصیت لوئیس سالینجر پیدا کنم. از قرار معلوم، بازی در این نوع درام‌های پر تنش هیجان‌انگیز را دوست دارید.

بله. به باور من فیلم‌های سینمایی فقط وظیفه سرگرم کردن تماشاچی را به عهده ندارند. آنها در عین حال باید اطلاعات و آگاهی‌های لازم را هم به بیننده خود بدهند. البته این کار باید در دل یک قصه سرگرم‌کننده و هیجان‌انگیز صورت گیرد، تا بتواند تماشاچی را با خود همراه کند. تجارت جهانی، بچه‌های انسان و پارک گوسفورد از جمله این فیلم‌ها است و خیلی دوست دارم با این نوع فیلم‌ها همکاری کنم.

برعکس بسیاری از بازیگران سینما، گفته‌اید علاقه‌ای به بازی در نقش شخصیت‌های خوب را ندارید!

درست است. هیچ وقت دنبال این نبوده‌ام که در جلوی دوربین، نقش آدم‌های خوب ماجرا را بازی کنم و ادای شخصیت‌های مثبت را در آورم. همه دارند نقش آدم‌های خوب را بازی می‌کنند و این مساله، به نوعی کلیشه تبدیل شده است، اما من برعکس، همیشه جذب بازی در نقش شخصیت‌های خطرناک و دور از دسترس شده‌ام. این جور نقش‌ها غریب و دور از دسترس هستند و من وحشتی از ظاهر شدن در آنها ندارم. برای مثال، به کاراکترم در «ترک اسب‌ها» (۱۹۹۸) نگاه کنید. شما هیچ وقت نمی‌توانید مطمئن شوید که او از کجا می‌آید. وی

چه نوع فیلمنامه‌هایی را بیشتر می‌پسندید؟  
فیلمنامه‌هایی را که در درون خود درگیری و تضاد دارد. آنها چالش‌های مهمی را پیش روی بازیگر و تماشاچی می‌گذارند. این فیلمنامه‌ها الزاما برای من نوشته نشده‌اند، ولی می‌توانم خودم را با آنها همراه کنم. هر فیلمنامه‌ای که با تضاد همراه است، در خودش درام دارد. این درام کمک می‌کند تا چرخ قصه به جلو برود و شخصیت‌های درون آن، فرصت بهتری برای عرض‌انداز پیدا کنند. شما در مقام بازیگر، لایه‌های درونی و زیرین قصه را پیدا می‌کنید و دست به شخصیت‌پردازی می‌زنید. برای شما هم به عنوان بازیگر، چالش‌های زیادی را این نوع فیلمنامه‌ها به وجود می‌آورد.

تجارت جهانی هم یک از همین فیلمنامه‌هاست؟

دقیقا. هر چه قصه فیلمنامه جلوتر می‌رود، کاراکتر من در آن متوجه موضوعات و چیزهایی می‌شود که تا قبل از این، چیزی درباره‌شان نمی‌دانسته است. او با چالش‌های دشواری روبه‌رو شده و مجبور به تصمیم‌گیری‌های سختی می‌شود. برای خلق چنین شخصیتی، باید کار می‌کردم و راهنمایی‌های تام تیکور کارگردان فیلم، کمک کرد تا درک بهتر و درست‌تری

## «یگان ویژه» برزیلی

بازیگران قسمت اول آن سپرد، اما دومین قسمت فیلم نتوانست موفقیت بالای مالی و معنوی نسخه اصلی را تکرار کند.

گروهی از منتقدان سینمایی گفتند قسمت دوم فیلم حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد و تکرار همان حرف‌های قسمت اول است. با این حال، خوزه پادریلا به مدد موفقیت و سر و صدایی که یگان ویژه به پا کرد، از سوی هالیوود دعوت به همکاری شد و نسخه جدید و دوباره‌سازی «ربو کاپ/ پلیس آهنی» را کارگردانی کرد، اما برخلاف نسخه اصلی سال ۱۹۸۷ - که بل و رهوفن آلمانی کارگردانش بود - این نسخه تازه شکست سخت تجاری در جدول گیشه نمایش سینماهای کشورهای مختلف جهان خورد. به دنبال این موضوع بود که منتقدان سینمایی به پادریلا پیشنهاد کردند در کشور خود به کار فیلمسازی ادامه دهد و مضمون‌هایی را برای کار انتخاب کند که با آنها آشنایی دارد.

مردم عادی و فقیر هستند که بیشترین آسیب را می‌بینند و کمتر کسی در نهادهای رسمی قدرت است که به فکر آنها هم باشد. موفقیت کلان مادی و معنوی یگان ویژه در داخل برزیل، توجه محافل بین‌المللی را هم به خود جلب کرد. به این ترتیب، فیلم نمایش گسترده بین‌المللی در بسیاری از کشورهای جهان داشت و با موفقیت خوبی روبه‌رو شد.

خوزه پادریلا، کارگردان فیلم آن را براساس فیلمنامه‌ای از جان کالوین ساخت. این فیلمنامه قصه‌اش را از یک کتاب پرخواننده و موفق به همین نام اثر آندره باتیستا گرفته است. از آنجا که پادریلا قبل از کارگردانی اولین فیلم بلند داستانی سینمایی‌اش چند فیلم مستند ساخته بود یگان ویژه هم لحن روایتی مستندگونه‌ای دارد. پس از نمایش عمومی فیلم،

«یگان ویژه» که هفته قبل از شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، محصول سینمای برزیل است. نمایش عمومی این درام پرتنش اجتماعی در کشور سازنده‌اش با سر و صدای زیادی روبه‌رو شد و در کنار فروش بسیار بالا در جدول گیشه نمایش سینماهای برزیل با استقبال و نقدهای مثبت منتقدان هم همراه بود. مضمون فیلم که درباره درگیری‌های شدید یگان ویژه پلیس با سوداگران مرگ و توزیع کنندگان مواد مخدر بود، بشدت مورد توجه هر دو گروه منتقدان و تماشاگران قرار گرفت. در قصه فیلم، خشونت موجود در یگان ویژه پلیس برای مقابله با فروشندگان و تولیدکنندگان مواد مخدر هم به نمایش درمی‌آید و نشان داده می‌شود این درگیری‌ها، آسیب‌های جدی و غیرقابل جبرانی هم به مردم عادی می‌زند. در حقیقت، قصه فیلم روی این نکته تاکید می‌کند که در راه مبارزه و مقابله با سوداگران مرگ، این

